

خبرهای عملیات خونبار "والفجر ۸"

* هزاران نفر در جبهه های جنگ به کام مرگ فرستاده شدند
* پندر عراقی فاو در اشغال نیروهای جمهوری اسلامی قرار دارد
* از نتیجه نبرد در جزیره ام الراس خبر موثقی منتشر نشده است

روز سه شنبه ۲۲ بهمن ماه، رادیوی جمهوری اسلامی خبر تصرف پندر فاو را اعلام کرد. پندر فاو در منتهی الیه جنوب شرقی عراق و در کناره شط العرب قرار دارد. گزارشات رسانه های غرب خبر تصرف فاو را توسط جمهوری اسلامی تأیید کرده اند.

جمهوری اسلامی پس از تصرف پندر نفتی فاو اعلام داشت که نیروهای خود را به سمت بصره گسیل داشته است. خبر پیشروی نیروهای جمهوری اسلامی در جاده فاو - بصره مصادف با اعلام خبر ضدحمله عراق در همین منطقه بود. عراق اعلام کرد که در اثر این ضدحمله تعداد بی شماری از نیروهای جمهوری اسلامی را از پای در آورده است.

واقعیت این است که جمهوری اسلامی چه در بقیه در صفحه ۲

پیشینه ۲۰ بهمن، بار دیگر جمهوری اسلامی با دست زدن به یک حمله گسترده جدید هزاران تن را به کام مرگ فرستاد. حمله جدید جمهوری اسلامی که موسوم به "والفجر ۸" می باشد، در جبهه جنوب و در واقع در محور جنوبی شط العرب به وقوع پیوست. در اطلاعیه قرارگاه "خاتم الانبیا" که از رادیوی دولتی جمهوری اسلامی روز دوشنبه ۲۱ بهمن ماه قرائت شد، تصریح شده است که نیروهای جمهوری اسلامی با کلاشتن از آب های شط العرب، جزیره ام الراس را به تصرف خود در آورده اند. پس از آن ضدحمله خونبار نیروهای مسلح عراق آغاز شد. جمهوری اسلامی نسبت به نتایج ضدحمله عراق سکوت کرد که میتواند حاکی از ناتوانی اش در حفظ این جزیره باشد.



پیش از حمله - در انتظار مرگ

اکسپرت

نشریه سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در خارج از کشور

دوشنبه ۲۸ بهمن ۱۳۶۴ برابر ۱۷ فوریه ۱۹۸۶
به ۶۰ ریال - سال دوم - شماره ۹۵

مرگ بر خمینی جنگ افروز!

کمتر از یک سال پس از آخرین عملیات بزرگ نظامی جمهوری اسلامی در اسفند ماه سال ۶۳، حمله تازه به منظور نفوذ در داخل خاک عراق آغاز گشت. حمله پیشین و تمام عملیاتی که پس از رهایی خرمشهر در سال ۶۱، صورت گرفته است، به شکست های فاحشی انجامید. از آن حملات آنچه که بر جای ماند تنها هزاران هزار کشته بود که اجساد بسیاری از آنان هیچگاه از میان با تلافی و شنزارهای آتشی مرز گردآوری نشدند. اینک عملیات تازه آغاز شده است.

نیروهای ایرانی در پندر عراقی فاو در زیر بمبارانهای مداوم شکاری - بمبارانهای عراقی می کوشند، سربل های بدست آمده را حفظ کنند. طرفین بی مهابا سلاحهای شیمیایی را بکار می گیرند. سربازان ایرانی را از این باتلاق به آن شنزار می کشانند. در شنزارهای جزیره ام الراس و نخلستان های فاو بر آنان همان می رود که در جزیره مجنون رفت.

در تمامی پهنه میهن مردم سوگواریند. این

بقیه در صفحه ۱۲

جشن شکوهمند زادروز سازمان در آلمان فدرال

درمی آورد، جلوه ویژه ای به جشن داده بود. فدائیان نشان دادند که در هر کجا که باشند، با نیرو گرفتن از سرچشمه لایزال رزم رفقایشان در جبهه داخل کشور، چشم در چشم و رودر روی دشمن، با ایمان راسخ به مارکسیسم - لنینیسم و انترناسیونالیسم پرولتری، با قلبی که مالا مال از عشق به مردم است، راه خدمت به مردم، راه مبارزه برای صلح، آزادی، استقلال و سوسیالیسم را می پویند.

تالار محل برگزاری جشن، با تصاویر بنیانگذاران مارکسیسم - لنینیسم و مفاخر جنبش کمونیستی ایران، با شعارهای سازمان و بایرده بزرگی حاوی طرحی در گرامیداشت ۱۵ سال پیکار سازمان، تزئین شده

بقیه در صفحه ۶

روز ۱۹ بهمن ۱۳۶۴، همزمان با پانزدهمین سالگرد حماسه سیاهکل و اعلام موجودیت سازمان فدائیان خلق ایران، مراسم باشکوهی در بوخوم (آلمان فدرال) برای گرامیداشت ۱۵ سال رزم پیکر و بی ایمان فدائیان در راه آزادی، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم برگزار شد. استقبال چشمگیر و گسترده هم میهنان مقیم آلمان فدرال و میهمانان آلمانی و خارجی از این جشن بزرگ، مراسم ۱۹ بهمن امسال را به باشکوه ترین جشن زادروز سازمان در سال های اخیر در اروپا تبدیل کرد. طنین شعارهای کوپنده ۱۵۰۰ نفر که بارها و بارها با ندای "درد بر فدایی"، "زنده باد همبستگی بین المللی"، "مرگ بر خمینی" و ... سالن را به لرزه

کمپانی نفتی آمریکایی "شورون" از جمهوری اسلامی ۱۱۵ میلیون دلار غرامت گرفت

بریتیش پترولیوم سی. اف. تی که شرکتهای اروپایی هستند، غرامت های کلان دریافت کردند. غرامت دریافتی شورون به حکم دادگاهی پرداخت شده است که رسیدگی به دعوی ایران و آمریکا را بر عهده دارد و طبق موافقتنامه الجزیره تشکیل گردیده است.

مجموع غرامت های ادعا شده توسط شرکتهای عضو کنسرسیوم به ۸۰۵ میلیون دلار بالغ می گردد که جمهوری اسلامی تا کنون قریب ۶۰۰ میلیون دلار، یعنی سه چهارم آن را پرداخت کرده است.

بقیه در صفحه ۷

روزنامه هرالد تریبون در شماره ۲۱ ژانویه خود می نویسد، "شرکت شورون (شرکت نفتی آمریکایی استاندارد اوایل کالیفرنیا) بابت ادعاهای خود در مورد جبران سرمایه گذاریهای معادله شده اش پس از انقلاب ۱۹۷۹ ایران، ۱۱۵ میلیون دلار غرامت گرفته است."

به نوشته این روزنامه، شورون اولین شرکت آمریکایی عضو کنسرسیوم نفتی تشکیل شده در ۱۹۵۴ است که از جمهوری اسلامی چنین غرامتی می گیرد. کنسرسیوم، از ۱۴ کمپانی نفتی غربی تشکیل شده بود قبلا کمپانی شلمند،

زنده باد صلح، مرگ بر خمینی جنگ افروز!

پایان تاکتیک عملیات محدود

تقریباً دو ماه پیش ما در مقاله‌ای با عنوان "فاجعه جنگ در مسیر کشتاری دیگر" چنین نوشتیم: "دو رژیم جنایتکار خمینی و صدام، بعد از یک دوره تدارک و حملات جانبی، اینک برای یک کشتار وسیع ابراز آمادگی می‌کنند. منطق این جنگ پوچ و بی‌سرانجام نیز جز این نمی‌تواند. جنگی که ده هزار، ده هزار به خاک و خون کشیده است، نمی‌تواند در قالب "عملیات محدود" از این سو و "حملات هوایی به هدف‌های بزرگ دریایی" از آن سو محدود بماند." (اکثریت شماره ۸۲)

این که دیگر تاکتیک "عملیات محدود" نمی‌تواند ادامه یابد، از مدت‌ها پیش آشکار گشته بود. این تاکتیک یا می‌توانست سرگرمی دوره تدارک یک مصالحه سیاسی باشد و یا سرگرمی دوره تدارک یک دور تازه از درگیری‌های نظامی، و از آن جهت که اولی نبود و یا دقیق‌تر بگوییم نتوانست باشد، جای خود را می‌بایست به برنامه جنگی تازه‌ای بدهد. تاکتیک "عملیات محدود" بعد از پایان دور دوم جنگ شهرها پیش گرفته شد. عملیاتی همچون قدس، ظفر، یا امام موسی‌بن جعفر و عاشورا در اعلامیه‌های ستاد مشترک ارتش و سپاه پاسداران جمهوری اسلامی، با عناوینی همچون "شبیخون" و "عملیات نفوذی" توصیف گردیدند. مسئولین رژیم در این زمینه طبق معمول سرو صدای زیادی به راه انداختند و درمماندگی خود را پی‌ریزی یک استراتژی جدید نام نهادند. اما از همان آغاز مشخص بود که نمی‌توان شعار اصلی را "جنگ، جنگ تا پیروزی" قرار داد و در همان حال عملیات محدود نفوذی را به مثابه تاکتیک اصلی قلمداد کرد. هجوم‌های پرسرو صدا و پرکشتار می‌بایست پی‌آمد این عملیات کم دامنه باشد.

دوره‌ای که می‌توان آن را به اعتبار تاکتیک‌های جنگی پیش گرفته شده از سوی جمهوری اسلامی دوره "عملیات محدود" نامید، دستاوردهای زیادی برای رژیم عراق داشت. در این دوره عراق خاک را کوپید و فشار اقتصادی مهمی بر جمهوری اسلامی وارد کرد. در این دوره نقطه ضعف‌های جمهوری اسلامی آشکارتر و آشکارتر شدند. جمهوری اسلامی همچون دیوانه‌ای که به تناوب جنونش اوج می‌گیرد، دوباره متشنج گشت و طرح کشتار تازه‌ای را ریخت. تاکتیک عملیات محدود و نفوذی با شکست

مواجه شده بود و مجدداً می‌بایست به تاکتیک‌هایی که پیش از این از سوی رفسنجانی در مصاحبه با اطلاعات اول مهر سال ۶۲ تاکتیک "یکی دو ضربه عمیق نظامی" نام نهاده شده بود، بازگشت نمود.

پسین نظامی

سیر وقایع را که از نظر می‌گذاریم می‌توانیم اوایل آبان را مقطعی بدانیم که در آن سران رژیم بر

والفجر ۸:

پایان یک شکست

آغاز یک شکست

تازه‌ای در چشم انداز آن قرار گیرد.

خامنه‌ای:

مامی خواهیم چکار کنیم؟

در اوایل آذر ماه خامنه‌ای در پایگاه هوایی نژده خطاب به افراد پسین گفت: "در ادامه حمایت شما از جبهه‌ها دشمن سرگردان شده است که ما می‌خواهیم چکار کنیم؟" این پرسش جناب حجت الاسلام خامنه‌ای کاملاً بی‌معنی بود. همه می‌دانستند که جمهوری اسلامی می‌خواهد چکار کند. در آذر، دی و بهمن مرتب بر حجم تبلیغات جنگ طلبانه افزوده شد. خود رئیس‌جمهور و نخست‌وزیر نیز برای گرفتن فیکور، لباس پسین پوشیدند و برای صفحات اول روزنامه‌های رژیم عکسهای مخصوص گرفتند.

در اواخر آبان و اوایل آذر خطر از سر گرفته شدن جنگ شهرها به شدت بالا گرفت، اما عراق ترجیح داد نیروی خود را بر روی خارک متمرکز سازد. در همان حالی که صدور نفت از خارک مختل شده بود و علایم پائین آمدن قیمت نفت در سطح جهانی آشکار می‌گشت، اعلام شد که بودجه جنگی به میزان ۱۲ درصد افزایش می‌یابد. در اواسط یک مانور هوایی صورت

اجرای طرح کشتار تازه‌ای مصمم شدند. در آن هنگام دولت موسوی تازه بر سر کار ایفا شده بود و می‌بایست بداند برنامه‌اش در رابطه با جنگ چیست. خمینی جای هیچ‌شکی را باقی نگذاشت. او گفت باید جنگ ادامه پیدا کند. موسوی خود در هنگام ارایه برنامه دولت در این مورد گفت: "امام امت فرموده اند جنگ در راس امور است و دولت موظف است در دوره جدید نیز مانند گذشته این دستور را سرلوحه برنامه‌های خویش قرار دهد... دولت ادعا می‌کند که اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد، خواهد توانست اقتصاد کشور را اداره کند. دولت تمام امکانات خود را در جهت جنگ پسین خواهد کرد و به سهم خود اجازه نخواهد داد سازش بر کشور تحمیل گردد."

از اوایل آذر به بعد، تدارک حمله آغاز شد. "کاروانهای کربلا" راهی جبهه شدند تا در کوره جنگ به حد کافی هیمة بریزند. در نماز جمعه ۱۵ آذر رفسنجانی فریاد برداشت که "بگذارید جنگ همیشه در جامعه باشد... اگر جنگ بیست سال هم طول بکشد، رحمت الهی خواهد بود." وی در خطبه‌های این نماز جمعه بر روی پسین عمومی نیز به شدت تاکید کرد و گفت: "از شمالی‌ترین جبهه‌ها تا جنوبی‌ترین جبهه‌ها باید بر از جمعیت آماده حمله باشند... با توجه به شرایط

گرفت که در ادامه مجموعه تدارکاتی بود که برای یک کشتار تازه صورت می‌گرفت.

رفسنجانی رئیس مجلس شورای اسلامی و سخنگوی شورای عالی دفاع در روز ۲۸ دی در دیدار با جمعی از پرسنل نیروی هوایی که در یک مانور نظامی شرکت جسته بودند گفت: "به نظر می‌رسد شرایط سیاسی که از آن دم می‌زنیم، در حال تحقق است." منظور وی از این سخنان روشن بود. او از یک کشتار بزرگ دیگر سخن می‌گفت.

پیروزی یا شکست؟

اکنون رژیم به فاو حمله برده و آن را تصرف کرده است. آیا این یک پیروزی است؟ برای یافتن پاسخ باید دید که چه عامل عمده‌ای زمینه ساز این کشتار تازه بوده است؟ بن بست بیشتر جنگ، در فاصله دور دوم جنگ شهرها تا "والفجر ۸"، حتی در مقاطعی جنگ چنان رکود پیدا کرد که اعلامیه‌های نظامی تنها حالت نمایشی داشتند و محض یادآوری بودند. اما این وضع چندان دیرنیا بود. این کوه نمی‌تواند موش بزیاید. منطق این جنگ کثیف، کشتار و کشتار و کشتار است. این جنگ محدود دشمنی نیست. تاکتیک "عملیات محدود" شکست خورد. والفجر ۸ سبیل این شکست است و به همین اعتبار است که می‌توان والفجر ۸ را شکست دانست. همه دست و پا زدن‌ها، تقلاها، دیدارها، تدارک‌ها، حمله‌ها، عقب‌نشینی‌ها، مانورها و تبلیغاتی که در فاصله دو کشتار بزرگ زمینی پدر والفجر ۸ و دقیق‌تر بگوییم از پایان دور دوم جنگ شهرها تا کنون که تقریباً ۸ ماه را دربر می‌گیرد، صورت گرفته است نشان می‌دهند که حریق این جنگ مهارشدنی نیست. شعله‌های آن اندکی فرو می‌نشیند اما بلافاصله باید زیانه کشند تا قربانیان بیشتری را با لهیب خویش خاکستر کنند. بن بست کامل! این ثمره همه آزمونهای این ۸ ماهه است و همین بن بست است که رژیم دیوانه خمینی را واداشته است تا دوباره سر بر دیوار کوپد.

والفجر ۸ اعتراف به شکست در تاکتیک‌های یک دوره است و آغازی است بر همان تاکتیک قدیمی "یکی دو ضربه عمیق نظامی". این دور جدید نیز که کیفیت نوینی پا خود ندارد و تنها نکبت و درمماندگی آن افزوده گشته است به چیزی جز فلاکت بیشتر، جنایت‌های بیشتر و کشتارهای وسیعتر منجر نخواهد شد.



خبرهای عملیات خونبار والفجره

بقیه از صفحه اول

در هنگام عبور از شط العرب و چه در هنگام تصرف پندرفاو و اینک در نگاهداری این جزیره، متحمل تلفات سنگینی شده است. واقعیت تلخ تر این جاست که نگاهداری فو زیر آتش سلاح های دوربرد عراق و زیر بمباران دائمی هوایی بازهم تلفات بیشتری در پی خواهد داشت. در مقابل جمهوری اسلامی نیز ادعا کرده است که تاکنون توانسته بیش از ۸۰۰ کیلومتر مربع از خاک این ناحیه را اشغال نموده و نزدیک به ۶۰۰ تن از نیروهای عراقی را کشته و یا مجروح سازد. در اطلاعیه شماره ۱۱ قرارگاه خاتم الانبیا اعلام شده است که تعداد اسرای عراقی از مرز ۱۴۰۰ تن گذشته است.

عراق برای بازپس گیری بندر نفتی فو، لشکر هفتم خود را بدان سو اعزام داشته و مواضع جمهوری اسلامی را در این بندر مرتباً زیر آتش توپخانه و حملات هوایی قرار داده است. عراق ظاهراً از همه ظرفیت نیروی هوایی خود برای بمباران سنگرهای نیروهای جمهوری اسلامی در فو استفاده می کند. جمهوری اسلامی ادعا نموده است که ۲۴ فروند هواپیمای عراق را ظرف چند روز اخیر سرنگون کرده است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی برای حفظ مواضع خود، ناگزیر شده است که هواپیمای محدود خود را به کار گرفته و وارد عملیات سازد. روز شنبه ۲۶ بهمن ماه اعلام شد که هواپیمای جمهوری اسلامی به مواضع عراق حمله کرده اند. عراق ضمن تایید این حمله، گزارش کرد که دو فروند هواپیمای (اف-۴) را سرنگون کرده است.

بندر نفتی فو هنوز در تصرف نیروهای جمهوری اسلامی است و رادیوی دولتی اعلام کرده است که خبرنگاران چند کشور خارجی و از جمله آلمان فدرال از متصرفات جمهوری اسلامی در فو دیدن کرده اند.

در روز یکشنبه ۲۶ بهمن جمهوری اسلامی اعلام داشت که تلفات نیروهای عراقی به ۱۲۷۰ نفر رسیده است. دو برابر شدن تعداد تلفات ادعایی ارتش عراق از سوی جمهوری اسلامی، نشانه شدت درگیریهای است که جریان دارد. ستاد ارتش جمهوری اسلامی در همین بقیه در صفحه ۷

است. خون تشنگی تنها در جبهه هافرو نشانده نمی شود؛ پیش از این جنون جنگ طلبی حکومت خمینی در همسویی با جنایتکاری رژیم عراق موج کشتار و ویرانی هولناکی را در شهرها پدیدار ساخت که نمونه هایی از آن را مشاهده می کنید، صحنه هایی که باز هم خونخواران ویرانه پرست تکرار آن را تدارک دیده اند. آن چه که در زیر می بینید صحنه هایی از شهر باختران در دور اول جنگ شهرهاست. این عکس ها توسط گزارشگران اکثریت تهیه و فرستاده شده است.

این جا گوشه ای از جبهه نیست. گوشه ای از شهر ویران شده باختران است جوانان می روند که مردگان و یا زندگان را از آوار بیرون بکشند. پیرزن متحیر مانده است که با او، با شهرش، با کشورش چه کرده اند، چه می کنند؟ آن ها را چرا در زیر آوار کرده اند؟ این جا چرا می سوزد؟



آن چه که بر فراز شاخه های درخت مانده است، بازمانده یک انسان است. وقتی که هواپیما می آمدند، او در پیاده روی خیابان مصدق در گذر بود. هواپیما که رفتند از او تنها همین تکه هایی ماند که می بینید.

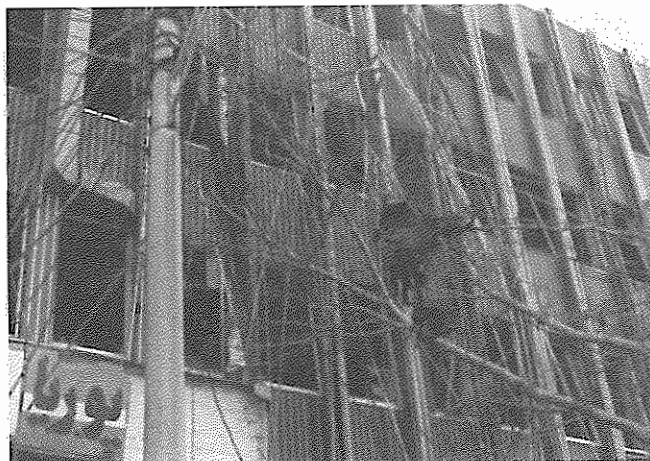
خمینی، تشنه خون های تازه

سیرایی ندارند. خون و کشتن و به کشتن دادن اساس و "فراز" باورهای آنهاست. کشتار، کشتار، و کشتار. کشتار در جبهه ها، کشتار در زندان ها، کشتار در جنگ شهرها، کشتار در کارخانه و کشتار در... و اینک با آغاز این حمله و ماجراجویی جدید نظامی، باز هم کشتاری وسیع و جدید به اجرا درآمده

در افسانه های پرخی ملل اروپایی از مردی خون آشام به نام کنت دراکولا نام برده شده است که سال ها پس از مرگ سر از تابوت به در کرد و تنها با خون انسان ها تغذیه می نمود. دراکولا افسانه است اما چنین خون آشامان از تابوت قرون بدر آمده ای اینک در میهن ما بر اریکه قدرت نشسته اند. آنان از خون



نه! هم میهن به خون کشیده، موی و روی خونیت را ببوشان. بپا افکن ها که بیرون، پاسدارها می آیند. خواهند گفت روی و موی تو باید در حجاب باشد.



۲۰۰ میلیون دلار یا ۲۴ میلیارد دلار

موسوی نخست وزیر در پایان جلسه هیات دولت در مصاحبه‌ای مطبوعاتی نسبت به عواقب کاهش قیمت نفت اظهار نگرانی کرد. با وجود این وی مدعی شد که «در سال ۱۳۶۰... برنامه ریزی شد که کشور را با دو بیست میلیون دلار درآمد ارزی بچرخانیم».

لازم به یادآوری است که چند روز پیش از این مصاحبه، موسوی اظهار داشته بود که جمهوری اسلامی برای تامین نیازهای خود، محتاج وارداتی در حد ۲۴ میلیارد دلار می باشد.

مالیات ها باز هم افزایش می یابد

ایروانی وزیر امور اقتصادی و دارایی طی یک مصاحبه مطبوعاتی و رادیو تلویزیونی ضمن اشاره به کاهش قیمت نفت، عنوان کرد که جمهوری اسلامی باید هر چه بیشتر روی صرفه جویی در بودجه جاری تاکید ورزد. وی گفت که یکی دیگر از راههای تامین نیازهای مالی جمهوری اسلامی استفاده هر چه بیشتر از مالیاتهاست. وی در این باره اظهار کرد «درآمدهای مالیاتی در کشور ما باید افزایش یابد». ایروانی عنوان نمود که فرهنگ مالیاتی در ایران وجود ندارد. وزیر امور اقتصادی جمهوری اسلامی همچنین اعتراف کرد که سهم مالیات مشاغل در کل میزان مالیاتهای جمهوری اسلامی بسیار اندک می باشد وی اعلام کرد سهم مالیات پرداخت شده از سوی حقوق بگیران به برابر مالیات مشاغل می باشد.

وزیر یازگانی، جمهوری اسلامی متعهد

به توسعه روابط یازگانی با ژاپن است

سفیر ژاپن در جمهوری اسلامی با جعفری وزیر یازگانی ملاقات و مذاکره کرد. وی در این ملاقات بر تمایل شرکت های بخش خصوصی ژاپن به افزایش مبادله با جمهوری اسلامی ایران اشاره کرد. وزیر یازگانی جمهوری اسلامی نیز در این دیدار اعلام کرد که: «جمهوری اسلامی ایران نیز خود را متعهد می بیند و کوشش می کند که روابط یازگانی بین دو کشور بیش از گذشته توسعه یابد و ظرفیتهای موجود در این زمینه پر شود» وزیر یازگانی بر مشارکت هر چه بیشتر ژاپن در «پروژه های عمرانی» کشور تاکید ورزید و اعلام نمود که جمهوری اسلامی کالاهای صنعتی مورد نیاز خود را از ژاپن خریداری می کند.

قائم مقام وزارت امور خارجه

اتحاد شوروی ایران را ترک کرد

«کلورگی مارکوویچ کورنینکو» قائم مقام وزارت امور خارجه اتحاد جماهیر شوروی که بنا به دعوت یشارتی همتای خود در جمهوری اسلامی به ایران مسافرت کرده بود، پس از سه روز اقامت در تهران ایران را ترک گفت. قائم مقام وزارت امور خارجه اتحاد شوروی، طی اقامت خود در تهران با خامنه ای، رفسنجانی، موسوی و ولایتی و آقازاده، دیدار و گفتگو داشت.

رفسنجانی مانع اطلاع نمایندگان مجلس

از مصوبات هیات دولت گردید

طرح اطلاع مجلس شورای اسلامی از مصوبات هیات وزیران که کلیات آن پیش از این با دوسم آرای نمایندگان به تصویب رسیده بود در هفته گذشته در دستور کار مجلس شورای اسلامی قرار گرفت. در صورت تصویب این طرح، هیات وزیران موظف می شد تمامی مصوبات خود را حد اکثر ظرف دروزیه اطلاع مجلس برساند. در تبصره ای بر این طرح آمده بود که کلیه قراردادهای دولت با شرکت های دولتی و خصوصی و با سایر کشورها مشمول این طرح می شوند.

رفسنجانی و هواداران دولت که اطلاع نمایندگان را از تصمیمات و مصوبات هیات دولت و بازتاب احتمالی آنها رادر سطح جامعه بسیار خطرناک تلقی می کنند، از ارائه این طرح شدت خشمکین شده بودند. پس از مختصری بحث حول این طرح در مجلس، رفسنجانی اعلام داشت که چون «طرح مزبور ابهامات جدی دارد» از دستور کار خارج شده و مسکوت گذاشته شود.

خرید و فروش اتومبیل آزاد شد

طرح لغو ممنوعیت سه ساله معامله و ساندن نقلیه، به مجلس شورای اسلامی ارائه و کلیات آن تصویب شد. یکی از نمایندگان اظهار داشت: «با آزادی معاملات میلیارد ها تومان به جیب دولت ریخته می شود». نماینده دولت در دفاع از طرح مطرح ساخت که گرچه بخشنامه دولت برای ایجاد این ممنوعیت مصلحت داشته ولی «مصلحت آزادی معامله» بیشتر است.

با تصویب این طرح معاملاتی که تا کنون بصورت قولنامه ای صورت می گرفت، از این پس در محضر رسامیت می شود و دولت از محل ثبت و عوارض مربوطه میلیارد ها تومان وصول خواهد کرد.

بی پولی دولت و آگهی تبلیغاتی

پخش آگهی تبلیغاتی در رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی مدتی است که آغاز شده است. گرچه

تبلیغات تجارتي در مطبوعات جمهوری اسلامی هیچگاه قطع نشد ولی پخش آن از رادیو و تلویزیون جمهوری اسلامی کاملاً تازکی دارد. یکی از مسئولین «صدا و سیما»، درباره دلایل این امر گفت: «در بخشنامه نخست وزیر در مورد بودجه سال ۶۵ که به سازمان های دولتی ابلاغ کرده اند، بر تدارک منابع مالی دیگری تاکید نموده اند» وی مشکلات مالی و کمبود بودجه صدا و سیما را از علل پخش آگهی از رادیو و تلویزیون نامید.

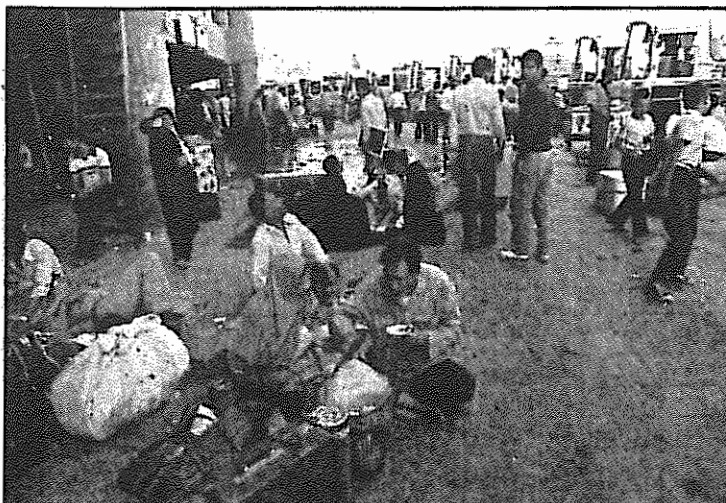
اخبار کوتاه

* سپاه پاسداران طی اطلاعیه اعلام کرد، آن عده از بسیجی هایی که شش ماه خدمت در جبهه را بپذیرند، می توانند تحت عنوان «سهمیه مربوط به رزمندگان» در کنکور دانشگاه شرکت کنند. کسانی که جزو این سهمیه باشند علیرغم بی سوادى به آسانی وارد دانشگاه می شوند. اقدام اخیر سپاه در بی امتناع گسترده جوانان و نوجوانان بسیجی از حضور در جبهه صورت می گیرد.

* اداره آمار اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی اعلام کرد که شاخص بهای عمده فروشی کالاها در ایران در دیمه سال جاری نسبت به ماه مشابه سال قبل افزایش یافته است. گرچه آمارهای دولتی مخدوش می باشند ولی در همین گزارش آمده است که قیمت بعضی از کالاها تا ۶۲ درصد افزایش داشته است.

* سفیر جمهوری اسلامی در پاکستان اطلاع داد که تا پایان ماه جاری مسیحی (فوریه) یک اجلاس اقتصادی سه جانبه بین کشورهای ایران، پاکستان و ترکیه در اسلام آباد برگزار می شود. وی اطلاع نداد که این اجلاس در چه سطحی از مسئولین این سه کشور برگزار خواهد شد.

* روزنامه اطلاعات ۱۹ بهمن اعلام کرد که انجمن اسلامی پزشکان، دندانپزشکان و دروسازان اعلام موجودیت نموده است. لازم به یادآوری است که این انجمن پیش از اعلام موجودیت خود، بارها علیه سازمان نظام پزشکی اعلامیه و جزوه منتشر کرده بود.



عکس که مشاهده می کنید اوضاع اسفباری از ترمینال های مسافری تهران را تصویر می کند. مسافران جایی برای نشستن در اختیار ترمینال های مسافری آلودگی محیطه کرانفروشی و خلافتکاری بیداد می کند.

کارگران وزیر مسکن راهو کردند

سینار تعاونی های مسکن سراسر کشور که در روزهای ۲۶ و ۲۷ آذرماه در سالن دخانیات برگزار گردید، به جلسه استیضاح رژیم بدل شد. شرکت کنندگان سینار به شدت علیه عملکرد وزارت مسکن و سیاست های رژیم در این زمینه اعتراض کردند. وقتیکه وزیر مسکن به منظور سخنرانی در پشت تریبون قرار گرفت، کارگران به وی اجازه سخنرانی ندادند. بلافاصله پس از حضور وزیر مسکن در تریبون کارگران به طور یکپارچه او را هو کردند. گردانندگان خانه کارگر که می کوشیدند کارگران را وادار به سکوت نمایند، ره به جایی نبردند و هو وزیر مسکن همچنان تا ده دقیقه ادامه یافت. وزیر مسکن بالاخره مجبور شد بدون سخنرانی تریبون را ترک کند. پس از آن کارگران آرام گرفتند و اجازه دادند برنامه جلسه ادامه یابد.

خانه کارگر که در تمام سال های اخیر می کوشید تعاونی های مسکن را تحت کنترل خود نگه دارد در این سینار با شکست سختی مواجه شد. خانه کارگر نتوانست همه مواد قطعنامه پایانی سینار را به دلخواه خود تنظیم کند. شرکت کنندگان در سینار در یکی از مواد این قطعنامه خواست خود را مبنی بر ضرورت تشکیل اتحادیه تعاونی های مسکن گنجانند.

دانش آموزان متحد

مدیر حزب الهی را اخراج کردند

در ده ماه در شهرک ولی عصر (واقع در جاده ساه) دانش آموزان مدرسه راهنمایی دخترانه در اعتراض به انتقال عده ای از معلمان و نیز رفتار توهین آمیز مدیر حزب الهی مدرسه از رفتن به کلاس خودداری ورزیدند و در حیطه مدرسه اجتماع کردند. دانش آموزان با دادن شعار قاطعانه خواستار ابقا معلمان انتقالی و عزل مدیر مدرسه گردیدند. آنها شعار می دادند "برای حفظ شیشه سمدیر باید بیرون شه". دانش آموزان تمام پوسترهای تبلیغاتی رژیم را از دیوارها پایین کشیدند و پاره کردند. آنها سیم بلندگو را قطع نمودند و مانع سخنرانی مدیر شدند. پاسداران کمپته که برای ایجاد رعب وارد مدرسه شده بودند، کاری از پیش نبردند و بناگزیر بازگشتند. این حرکت اعتراضی با پیروزی دانش آموزان پایان یافت و مسئولین ناحیه ۱۸ آموزش و پرورش مدیر حزب الهی را برکنار ساختند و معلمان این مدرسه در کار خود ابقا شدند. در حین این اقدام اعتراضی، دختران دانش آموز در عین حال علیه حجاب نیز موضع گرفته و تنی چند از آنان مقنعه را از سر درآورده بودند.

حرکت جمعی اعتراضی دانش آموزان این محله فقیرنشین تهران، نمونه ای از حرکتی است که هر روزه در سطح مدارس تهران اتفاق می افتد. در سال جاری مبارزه دانش آموزان کشور علیه رژیم خمینی و مسئولین آموزش و پرورش، گسترش چشمگیری یافته است. بر تعداد حرکات اعتراضی دانش آموزان در قیاس با سال گذشته به مراتب افزوده شده است.

در روستاهای کشور

روستاییان ایلام :

دولت که گدا شده، چرا جنگ می کند

در اسلام آباد از سوی موحدی قسی امام جمعه سفاک این شهر، قبضه هایی به منظور جمع آوری کمک مالی به جیبه چاپ و توزیع شده است. کارگران رژیم به منظور فروش این قبضه ها در خیابانهای شهر و روستاهای منطقه به دوره افتاده اند ولی علی رغم تهدید و ارباب کمتر کسی حاضر به خرید آن می گردید. در روستاها، دهقانان می گفتند "دولت که گدا شده، اگر پول ندارد چرا جنگ می کند".

در اسلام آباد و کل استان ایلام مسئولین جهت گردآوری نیرو به جیبه به اقدامات گسترده ای دست زده اند. سپاه پاسداران به کلیه ادارات نامه نوشته و خواستار شرکت کارمندان در جنگ گردید. در این نامه وعده داده شد که به کارمندان در ازای شش ماه خدمت در جیبه، پاداش هایی از قبیل ترفیع، افزایش مرخصی، تشویق و تقدیرنامه داده خواهد شد. باوجود این نتیجه ای نگرفتند. مثلا در کرند غرب برغم تشیقات رئیس آموزش و پرورش حتی یک معلم نیز حاضر به رفتن به جیبه نگردید. در اسلام آباد مغازه دارانی را که حاضر به شرکت در نمایش های بسیج نشدند، تهدید به لغو جواز کسب کردند. موحدی قسی که برای تبلیغات جنگ افروزان به روستای بدره ای رفت با مسجد خالی مواجه شد. دهقانان، حاضر به حضور در مراسم سخنرانی او نگردیدند. اطرافیان او برای کشاندن روستائیان به مسجد دوندگی های زیادی کردند.

درگیری دهقانان با مامورین رژیم

در روستای چروگان اصفهان، روستائیان نسبت به حکم دادگاه دایر بر تخلیه باغات و زمینهای مصادره شده "محمودی" فتودال معروف این منطقه وسعا دست به اعتراض زدند این اعتراض در روز ۴ آذرماه به درگیری شدیدی با مامورین رژیم انجامید. طی این درگیری تعداد زیادی از روستائیان مجروح گردیدند. عده ای از روستائیان مبارز نیز توسط ارکانهای سرکوب دستگیر و زندانی شدند.

دهقانان از حقوق خود نمی گذرند

اردشیر بهرامی فتودال روستای "بانباران میرزااحسین" از توابع اسلام آباد غرب علیه کشاورزانی که اراضی او را مصادره کرده بودند به حاکم شرع اسلام آباد شکایت برد. حاکم شرع بلافاصله به سود فتودال وارد عمل شد و دستور زندانی ساختن نه تن از کشاورزان را صادر کرد. تاچند هفته قبل هنوز چهارتن از کشاورزان دستگیر شده همچنان در زندان یسر می بردند. نامه دسته جمعی کشاورزان به دیوان عالی کشور در روز ۲۷ آذر در اعتراض به این امر هیچ نتیجه ای پیاپی نیارورد. مسئولین می گویند زندانیان زمانی آزاد خواهند شد که از حقوق خود بر اراضی مصادره شده رسماً صرف نظر نمایند. اما دهقانان بند و زندان را می پذیرند، ولی از حقوق خود نمی گذرند.

برای اخذ بهره مالکانه سال ۵۴ کشاورزان را زندانی کردند

سید عبدالله حیدری فتودال ضد انقلابی مشهور قریه ویله در بیوه نیچ کرند غرب است. او در ۱۹ آذرماه در دادگاه اسلام آباد غرب علیه کشاورزانی که بخشی از اراضی او را مصادره کرده بودند شکایتی طرح کرد. این فتودال هم چنین خواستار شد پرونده ای را که در سال ۵۴ در دادگستری این شهر بخواست او علیه کشاورزان تنظیم شده بود، به جریان بیاقت. او در آن سال کشاورزان را به خاطر عدم پرداخت مالیات عشرونییم عشرتحت پیگرد قرار داده بود.

دادگاه انقلاب اسلامی طبق خواست سید عبدالله حیدری به استناد پرونده تشکیل شده در سال ۵۴ توسط دادسرای استان، کشاورزان را محکوم می کند. بنابه حکم صادره، یازده تن از کشاورزان ویله به زندان های دولتی شش ماه محکوم و در زندان شهربانی اسلام آباد زندانی گردیدند. کشاورزان زندانی پس از اینکه نفی ۵۰ هزار ریال بابت مالیات های سال ۵۴ به فتودال پرداخت کردند، از زندان رهایی یافتند. باوجود این کشاورزان این روستا حاضر نشدند ۲۲ هکتار از اراضی مصادره شده را به سید عبدالله حیدری بازگردانند.

امام جمعه اردبیل:

روستاییان حلال و حرام سرشان نمی شود

در روز ۱۱ آذرماه عده ای از کشاورزان روستای نیار اردبیل که از خانواده کشته شدگان جنگ بوده اند، به اردبیل رفتند و با امام جمعه و فرماندار ملاقات کردند. کشاورزان در این ملاقات ها خواستار تجدید نظر در نحوه فروش و قیمت گذاری سیب زمینی بودند. سیب زمینی محصول اصلی این روستاست. در حالیکه بر قیمت مایحتاج مصرفی روستائیان همواره افزوده می شود، دولت نرخ سیب زمینی را ثابت نگه داشته و می کوشد از فروش آزاد آن توسط کشاورزان جلوگیری کند. آنها به حجت الاسلام مروج امام جمعه اردبیل گفتند: با این نحوه قیمت گذاری ما خانه خراب می شویم، این امر مغایر اسلام است. مروج که هنوز پس از سال ها از اقدام کشاورزان نیار در مصادره اراضی محمدخان امیری فتودال این روستا هم چنان خشمگین بود، آنان را با این پاسخ بیرون راند: "شما دهاتی ها اگر حلال و حرام سرتان می شود، چرا زمین های محمدخان امیری را تصرف کردید".

در اعتراض به انحلال مدرسه

روستاییان تحصن کردند

آموزش و پرورش شهرستان خمین تصمیم گرفت، تنها مدرسه راهنمایی روستای خوروند را منحل کند. با انتشار این خبر مردم روستا به مدرسه رفته و در اعتراض به این تصمیم در همانجا تحصن می نمایند. آنان برای مقابله با هجوم احتمالی ارکان های سرکوب خود را با بیل و کلنگ مسلح کرده بودند این حرکت رزمجویانه پس از ۱۵ روزه نتیجه می انجامد و مدرسه بازگشایی می شود.

جشن شکوهمند زادروز سازمان در آلمان فدرال

بقیه از صفحه اول

بود. در پیرون سالن، نمایشگاه‌های عکس، میزهای کتاب، آثار هنری و صنایع دستی و... با استقبال وسیع مراجعین روبرو بود. شمار بسیار حضار در مراسم، باعث شد تا حتی گنجایش سالنی که ظرفیت آن از همه اماکن برگزاری جشن ۱۹ بهمن در سال‌های اخیر بسیار بیشتر بود، کفاف آن‌ها را ندهد. برخی از مشتاقان، به ناچار ایستاده برنامه جشن را همراهی کردند.

"مایرای رزم فداییان ارزش والایی قائلیم"

از جانب رهبری حزب کمونیست آلمان، رفیق دیرک کروگر عضو کمیته مرکزی و دبیر شعبه روابط بین‌المللی حزب در مراسم پرسکوه بوخوم شرکت داشت. وی در سخنرانی‌ای که ایراد نمود، درودهای گرم حزب برادر را به مناسبت پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان به شرکت کنندگان ابلاغ کرد. رفیق کروگر در آغاز سخنانش اعلام داشت متأسفانه رفیق هربرت میس، صدر حزب کمونیست آلمان به علت بیماری و تراکم کارهای مربوط به تدارک هشتمین کنگره حزب، امکان شرکت در جشن زادروز سازمان را نیافت، اما از طریق نماینده رهبری حزب، درودها و شادباش شخص خود را به سازمان ما و به جشن پانزدهمین سالگرد تاسیس آن فرستاد. عضو کمیته مرکزی حزب

کمونیست آلمان، در نطق پرشورش با اشاره به تاریخچه‌ای از مبارزات قهرمانانه مردم ایران علیه استعمار و ارتجاع و برای استقلال و آزادی، گفت: "از همان هنگام حمله مسلحانه به پایگاه سیاهکل در ایران، نیروهای دمکرات و ترقی‌خواه آلمان فدرال دریافتند که در کشور شما جنبش جدیدی با آرمان‌های انقلابی آغاز شده است. ما برای رزم فدائیان ارزش والایی قائلیم." رفیق کروگر همچنین به گوشه‌هایی از مبارزات جاری حزب کمونیست آلمان اشاره کرد و اعلام نمود حزب توانسته است در طی چند ماه، شمار اعضای خود را از ۵۰ هزار به ۶۰ هزار تن افزایش دهد.

یکی دیگر از سخنرانان جشن، فریتس هولشتاین مبارز برجسته ضدفاشیست و عضو هیات رئیسه اتحادیه ضد فاشیست‌های آلمان فدرال بود. وی در بیاناتش با ذکر نمونه‌هایی از تجارب انقلابیون آلمان در پیکار علیه فاشیسم هیتلری، جنایات رژیم خمینی را با جنایات هیتلر مقایسه کرد و برای فدائیان خلق و همه مبارزان دمکرات ایرانی، در نبرد با رژیم فقه‌آرزی موفقیت نمود.

پیام حزب توده ایران (واحد آلمان فدرال) توسط نماینده حزب قرائت شد و مورد استقبال گرم حضار قرار گرفت. در این پیام، قابلیت و سازش‌ناپذیری فدائیان خلق در برابر دشمنان مردم از همان آغاز پیکار خود،

تحسین گردیده و بر نقش و جایگاه سازمان و حزب توده ایران به مثابه گردان‌های پیشاهنگ طبقه کارگر ایران، تأکید شد.

درود بر افغانستان انقلابی!

هنگامی که مجری برنامه، با شعار "درود بر افغانستان انقلابی" حضور میهمانان افغانی در جشن و قرائت پیام رفقای حزب دمکراتیک خلق افغانستان در آلمان فدرال را اعلام نمود، موجی از شور و ابراز احساسات سالن را فرا گرفت. پیام سازمان حزب دمکراتیک خلق افغانستان در آلمان فدرال توسط نماینده آن قرائت و با استقبال و کف زدن‌های ممتد روبرو شد. حضارد جشن، مقدم نماینده انقلابی را گرامی داشتند که در همسایگی کشورمان، دژ مستحکم آزادی را برپا کرده و منبع الهام و نیرو گرفتن فدائیان خلق و همه انقلابیون ایران است.

از سراسر آلمان فدرال نزدیک به ۱۰۰ پیام از احزاب و سازمان‌های مترقی و دمکراتیک به جشن بوخوم رسید. از آن جمله بودند پیام‌های حزب کمونیست آلمان، سازمان جوانان کارگر سوسیالیست آلمان، اتحادیه دانشجویان مارکسیست (اسپارتاکوس)، اتحادیه دانشجویان سوسیالیست، حزب سبزها، اتحادیه صلح آلمان فدرال، اتحادیه ضد

فاشیست‌ها، سازمان‌های احزاب برادر در آلمان فدرال، سازمان‌های کُردهای مقیم آلمان فدرال، جبهه دمکراتیک برای آزادی فلسطین، حزب کارگران و کشاورزان پاکستان، و...

به دعوت برگزارکنندگان جشن و برای ابراز همبستگی با سازمان، گروه‌های موسیقی و رقص آذربایجانی، کردی، یونانی و شیلیایی به اجرای برنامه پرداختند. به ویژه موسیقی آذربایجانی و موسیقی و رقص کردی که با استادی اجرا گردید، مورد تشویق پرشور حضار قرار گرفت.

برنامه دیگر، اجرای نمایشنامه "چهل و چهاری‌ها" بود که با اقتباس از داستان کوتاهی با همین نام مندرج در "اکثریت" تنظیم شده بود. همچنین شعاری به زبان‌های فارسی، آذری و کردی در ستایش انقلاب و انقلابیون و فدائیان ورزیشان دکلمه گردید.

قریب ۱۵۰۰ شرکت کننده در جشن پانزدهمین سالگرد بنیانگذاری سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) در آلمان فدرال، پس از پایان جشن، درحالی که نیروی مضاعف و قلب‌های گرمشان سرمای سوزان هوا را جبران می‌کرد، به شهرهای محل سکونت خود بازگشتند تا پیامی را که از این مراسم پرسکوه گرفتند، به همه جا برسانند. آن‌ها در حالی که آخرین بند انترناسیونال، سرود کارگران و زحمتکشان سراسر جهان را، ستایش پرشور "آخرین رزم" را بر لب داشتند، رفتند تا جبهه پیکار سازمان را در هرکجا که هستند، نیرومندتر سازند.



بانگ رسای همبستگی با فدائیان خلق در دانمارک

جنبش کمونیستی و کارگری و دیگر نیروهای صلح و ترقی کشور دانمارک به طور فزاینده از فدائیان خلق در نبرد علیه رژیم اهریمنی جمهوری اسلامی، اینرا حمایت می کنند. ما در شماره های گذشته مواردی از آن را ذکر کرده بودیم که از جمله آنها اعتراض شدید دبیرکل حزب کمونیست دانمارک به تیرباران رهبران و کادرهای سازمان در ماه های اخیر بوده است. در این شماره نیز توجه شما را به چند خبر در این زمینه جلب می کنیم.

اتحادیه کارگران پست، زنده باد فدائیان خلق!

بنویری را محکوم می کنیم.
به شکنجه و کشتار زندانیان
سیاسی در ایران خاتمه دهید!
به حقوق بشر و دموکراسی احترام
بگذارید!
زنده باد فدائیان خلق ایران!

* اعضای رهبری اتحادیه
کارگران فلزکار (لوتکپو) و سیزده
تن از اعضای رهبری اتحادیه کمک
مربیان کپنهاگ با اعضای متنی اعدام
فدائیان اسیر را محکوم نموده،
خواهان آزادی زندانیان سیاسی در
ایران شدند.

* اتحادیه کارگران پست
کپنهاگ که یکی از اتحادیه های
قدرتمند و عضو پر نفوذ فدراسیون
اتحادیه های کارگری دانمارک است
با ارسال نامه ای به سفارت جمهوری
اسلامی در این کشور، به شکنجه و
اعدام فدائیان خلق اعتراض نمود. در
پخش پایانی این نامه آمده است:
"ما اعدام رهبران و کادرهای
سازمان فدائیان خلق ایران
(اکثريت)، محمدرضا غیباری،
رضی الدین تابان، جهانگیر بهنجاری،
محمد امین شیرخانی، ابراهیم
لطف الله زاده، محمد شیروودی و بیژن

دبیرکل حزب سوسیال دمکرات اعدام فدائیان را تقبیح کرد

می باشد) اعدام فدائیان و سایر
انقلابیون ایران را محکوم نموده،
خواهان آزادی زندانیان سیاسی در
ایران شدند.

دبیرکل حزب سوسیال دمکرات
دانمارک، منشی بین المللی حزب
سوسیالیست مردمی دانمارک و
همچنین شهردار کپنهاگ (که از
مسئولین حزب سوسیالیست چپ

همبستگی با فدائیان خلق در کنفرانس کمونیستهای دانمارک

کادرهای فدایی سخن گفت. سپس
قطعه نامه میتینگ کپنهاگ توسط یکی از
کمونیست های دانمارکی خوانده شد و
با موافقت تمامی اعضای حزب
کمونیست دانمارک در ناحیه آما به
امضای کنفرانس رسید. در قطعه نامه
مذکور آمده است که "ما جمهوری
اسلامی را به خاطر اعدام رهبران و
کادرهای برجسته سازمان فدائیان خلق
ایران (اکثريت)، محمدرضا غیباری
عضو مشاور هیئت سیاسی کمیته مرکزی و
سر دبیر نشریه کار، رضی الدین تابان
عضو مشاور کمیته مرکزی سازمان،
محمد امین شیرخانی، جهانگیر
بهنجاری، ابراهیم لطف الله زاده، بیژن
بنویری، محمد شیروودی محکوم
می کنیم. و همبستگی خود را با
مبارزات مردم ایران و سازمان
فدائیان خلق ایران (اکثريت) در
راه صلح و آزادی اعلام می داریم."

در روزهای اول و دوم فوریه
(۱۲ و ۱۳ بهمن) کنفرانس سالانه حزب
کمونیست دانمارک در ناحیه آما،
برگزار گردید. نمایندگان فدائیان
خلق ایران (اکثريت) - دانمارک،
سازمان حزب توده ایران - دانمارک،
حزب کمونیست عراق - دانمارک و
حزب کمونیست شیلی - دانمارک از
میهمانان این کنفرانس بودند.

در ابتدای کنفرانس پیام
مشترک فدائیان خلق ایران
(اکثريت) - دانمارک، حزب توده
ایران - دانمارک و حزب کمونیست
عراق - دانمارک، بدین مناسبت
قرائت گردید. اولین سخنران میهمان
این کنفرانس یک رفیق فدایی بود که
درباره نقش سازمان در جنبش
انقلابی میهمان، مقاومت فدائیان
در زندان های رژیم خینی و اعدام
جنايتکارانه چند تن از رهبران و

خبرهای عملیات...

بقیه از صفحه ۲

روز ادعا کرد که پیشروی نیروهای
رژیم در جاده فاو - بصره و فاو -
ام القصر ادامه دارد.
تصرف بندر فاو در
نزدیکی جزیره بویان (که متعلق به
کویت می باشد) باعث نگرانی کویت
شده است. امیر کویت وارد جزیره
بویان شد و از استحکامات نظامی
ارتش کویت در این جزیره بازدید
کرد. اخیراً دولت های کویت و
پنج کشور عربی دیگر همراه با
دولت عراق، در اعتراض به
عملیات اخیر جمهوری اسلامی
به شورای امنیت سازمان ملل
شکایت کرده و خواستار برگزاری
اجلاس شورای امنیت شده اند. گفته
می شود، جلسه شورای امنیت سازمان
ملل روز سه شنبه ۲۹ بهمن ماه برگزار
خواهد شد.

از سوی دیگر رجایی خراسانی،
نماینده جمهوری اسلامی در سازمان
ملل متحد نیز طی نامه ای به دبیرکل

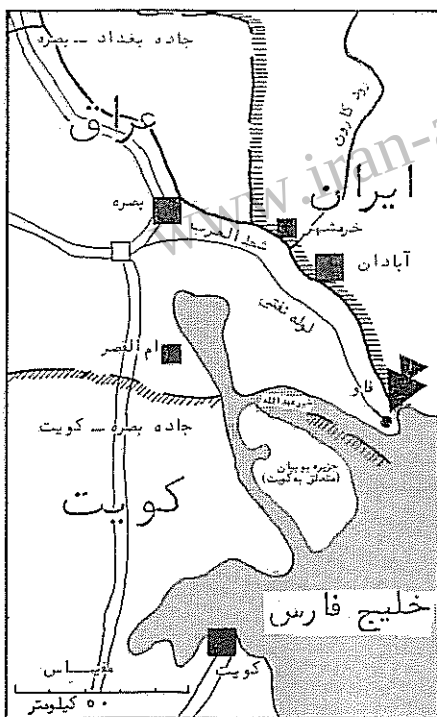


در ساحل شمالی عرب

از کشته سربازان ایرانی پشته ساختند
سازمان ملل، عراق را متهم به استفاده
از سلاح شیمیایی (گاز خردل)

کرد. دولت عراق نیز
متقابلاً اعلام داشت که
جمهوری اسلامی از
سلاح های شیمیایی در این
عملیات استفاده کرده
است. به گزارش رسانه ها
تاکتیک عده ای از
سربازان ایرانی و عراقی
در اثر اشتباه گاز خردل
چان خود را از دست داده
و یا معلول شده اند.

خبر
پرز دو کوئینار، دبیرکل
سازمان ملل متحد نیز
بررسی و تحقیق پیرامون
استفاده و یا عدم استفاده
سلاح شیمیایی را منوط به
قطع جنگ و اعلام
آتش بس نموده است.
جمهوری اسلامی، اعلام
کرده است که به تصمیمات
شورای امنیت سازمان ملل
متحد کردن نخواهد نهاد.



کمپانی نفتی آمریکایی...

بقیه از صفحه اول

اقدامات حقوقی انحصارات نفتی
برای دریافت بقیه آن نیز ادامه
دارد.

لازم به یاد آوری است
تشکیل کنسرسیوم از اهداف
کودتای شنگین ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ و

ثمره این کودتا بود. کنسرسیوم در
تمام طول حکومت شاه منفور، بر
منابع نفتی میهن ما سلطه بیلانا زاع
داشت. سود کنسرسیوم از
این بابت سر به ارقام نجومی
می زند. عاقد قرارداد اسارت بار
کنسرسیوم، وزیر دارایی حکومت
کودتا، دکتر علی امینی، این عامل
سرسپرده آمریکابوده

* رفیقی در گزارش خود می نویسد :
"تعدادی از و یا قصد اعلامیه در"

مورد به شهادت رساندن رفیق رضی الدین تابان و علیه جنگ در دونویت متوالی در ساعات پر رفت و آمد بعد از ظهر در منطقه نهم آبان و نازی آباد روزهای هفته اول و دوم آبان ماه ۶۴ پخش شد. این عملیات بسیار دقیق و منظم و طبق برنامه از پیش تنظیم شده و در مدت زمان تعیین شده انجام یافت. رفقای یکی یکی اعلامیه‌ها را در میان خانه‌ها و کوچه پس کوچه‌های گذرها قرار می‌دادند. دیگر این که تراکت‌های کوچک دستی با شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروز" در خیابان‌های تختی و خزانه هر دیوارها چسبانده شد. توام با چسباندن تراکت‌های فوق تمام تلفن‌های منطقه با شعار "مرگ بر خمینی جنگ افروز، زنده باد صلح" پوشانده شد.

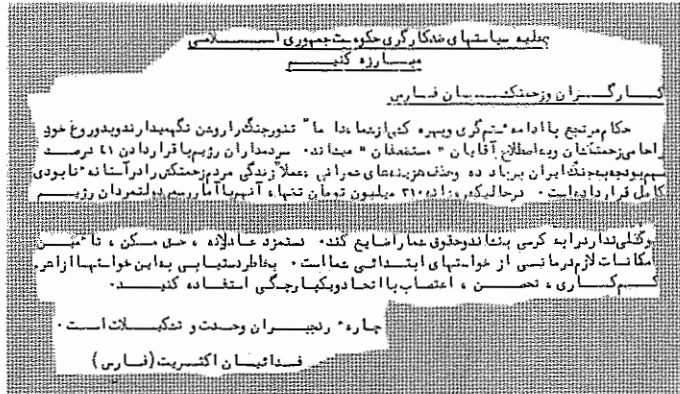
* یک گروه از جوانان فدایی در تهران بخشی از فعالیت‌های تبلیغی خود را چنین گزارش کرده است:

- "روز ۷ آبان، ۱۵ مورد شعار نویسی تحت عنوان "مرگ بر خمینی جنگ افروز" با امضا سازمان.
- روز ۲۶ آبان، توزیع ۱۰۰ اعلامیه "زندانیان سیاسی..." و ۱۵۰ تراکت "مرگ بر خمینی..." و ۱۵۰ اعلامیه "شهادت رفیق تابان"
- روز ۲۸ آبان، توزیع ۱۰۰ تراکت "مرگ بر خمینی..." و ۵۰ اعلامیه "شهادت رفیق تابان"
- روز ۱۲ آذر، توزیع ۵۰۰ اعلامیه "۱۶ آذر..." در سطح دانشگاه
- روز ۱۴ آذر، توزیع ۲۵۰ اعلامیه "۱۶ آذر..."

در یک گزارش آمده است: "کیوسک‌های تلفن که سال‌ها رنگ تمیزی به خود نمی‌دید، اینک با تبلیغات گسترده سازمان، سیجی‌ها بسیاری از آن‌ها را حداقل ۱۵ روز یک بار رنگ می‌کنند."

* در گزارش دیگری نوشته شده است: "پس از پخش اعلامیه سازمان در مورد جنگ در زیر پل سیدخندان سپاه راه را بسته و اقدام به جمع‌آوری اعلامیه‌ها کرد."

* اعلامیه زیر از سوی فدائیان خلق در فارس منتشر گشت



اصفهان

* واحدی از فدائیان خلق از اصفهان گزارش کرده است که: "اعلامیه‌هایی علیه جنگ در محل‌های زیر پخش شد، ۴۰۰ عدد در مفت آباد، ۶۰۰ عدد در بزرگمهر و خیابان آراسته، ۲۰۰ عدد در خیابان احمدآباد تا میدان امام، ۱۰۰ عدد در کوچه‌های خیابان دستگرد و ۱۷۷ عدد در کوچه پس کوچه‌های رکن الدوله و شامزید و ۳۰۰ عدد در مناطق دیگر اصفهان پخش شده است، همچنین ۷۰۰ عدد اعلامیه در مورد شکنجه و کشتار نیز توزیع شد. علاوه بر این رفقای ما ۸ شعار بزرگ و ۳۰۰ شعار با اسب‌ریز نوشته‌اند."

* به نقل از نشریه پیک فدایی،

"رژیم با وجود سخت‌ترین تدابیر امنیتی نتوانست جلوی فعالیت وسیع واحدهای سازمان را در رابطه با بردن شعارهای دیوارها و اماکن عمومی بگیرد. اعلامیه‌ها و

* از طرف گروهی از هواداران سازمان در تهران اعلامیه زیر خطاب به پزشکان منتشر و توزیع شد.

پزشکان متعهد!

رژیم مرتجع جمهوری اسلامی جهت هر چه گرم‌تر نگه داشتن تنور جنگ خانمانسوز و ویرانگر و تأمین کادر پزشکی لازم برای جبهه‌های پخشانه‌ای طرح یک ماه خدمت پزشکان را به مناطق جنگی اختصاص داده است و مناطق دور افتاده کشور را از خدمات پزشکی محروم نموده است.
- علیه این اقدام ارتجاعی اعتراض کنید!
- خواهان انجام خدمت یک ماهه در مناطق محروم شوید!
- به جبهه‌ها بیاورید!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)
آبان ۶۴

شعارهای سازمان در همه جا با استقبال پرشور مردم شهر روبرو گردید. به طور مثال واحدهای سازمان اقدام به پخش تراکت و اعلامیه از بالای ساختمان بلندی واقع در میدان انقلاب

بندرعباس در گزارش خود نوشته است: "۶۰۰ تراکت "جنگ را قطع کنید، مردم صلح می‌خواهند" و ۵۰۰ عدد تراکت با مضمون "علیه جنگ برای صلح بپا خیزیم" پخش شد. همچنین ۴۷۰ تراکت سازمان جوانان در درب ورودی مدارس و در خانه‌ها و ۶۰۰ عدد تراکت "با اعتراض وسیع همگانی..." پخش کردیم. ۳۰۰ مورد شعارنویسی در سطح شهر داشتیم و ۱۰۰ عدد پرچم در معابر و بر تلفن‌های عمومی چسبانده شد. همچنین ۲۲۱ تراکت دیگر علیه جنگ و ۱۸۵ عدد تراکت "متحد شویم..." و ۴۰۰ تراکت با کاغذ رنگی و گل سازمان پخش شد."

قائم شهر

* از گزارش یک واحد در قائم شهر می‌خوانیم، "اول آذرماه در خیابان ۱۶ متری قائم شهر، پلاکای با شعار "پیروزی مبارزه خلق..." با امضا فدائیان (اکثریت) نصب گردید. این پلاکا در چهل و هشت ساعت پر چاپود تا این که توسط مزدوران حاکمیت به زیر کشیده شد. ما همچنین در ۹ نقطه شهر با مضمون صلح و آزادی زندانیان شعارنویسی کردیم که حداقل دو روز بر روی دیوار ماندند. (بعضی از شعارها تا در هفته پاک نشدند) در ضمن یک پلاکارد نصب کردیم که سه روز ماند."

* اعلامیه‌ای از طرف هواداران سازمان در نوشهر و چالوس منتشر و پخش گردید که بخش‌هایی از آن به قرار زیر است:

در رژیم ترور و اختناق مردم از معاشرت با هم محرومند!

مردم آگاه چالوس و نوشهر!

رژیم واپسگرای خمینی می‌خواهد خاک مرده بر کشور بپاشد... در حالی که هر نوع امکانی را برای تفریحات سالم و ورزش از شما سلب کرده‌اند می‌خواهند شما را از دور هم نشست‌های فامیلی و مجالس جشن و سرور به یهانه‌های واهی "مبارزه با فساد" دور و در کنج خانه‌های خویش زندانی کنند.

... تعدادی از فرزندان شما مردم مبارز چالوس و نوشهر را به خاطر شرکت در مراسم جشن تولد دستگیر و مورد ضرب و شتم قرار دادند. تعداد کثیری از دستگیرشدگان را که دختر ۱۲ ساله‌ای هم در میان آن‌ها بود به ۴۰ الی ۷۰ ضربه شلاق محکوم شدند... حکم صادره را در ملا عام اجرا کردند که منجر به تنفر و انزجار مردم گردید.

مردم آگاه نوشهر و چالوس!

همانگونه که در سال قبل در جریان قتل یکی از جوانان شهر توسط سرکوبگران رژیم و پاسداران سرمایه، پیداری خویش را نشان دادید، بار دیگر صدای اعتراض خود را علیه رژیم و پیدادگری‌هایش که تعداد زیادی از فرزندان شما را در جبهه، در راه جنگ خانمانسوز قربانی و تعداد زیادی از فرزندان شما را در زندان‌ها مخفیانه شکنجه و اعدام و برخی دیگر را این چنین در ملا عام به روش قرون وسطی به شلاق می‌کشند، هر چه رسانا سازید!

هواداران سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) نوشهر-چالوس

روایتی از

یک مدیرکل مکتبی

در سال ۶۱ شخصی به نام همدانلو به مقام مدیرکل اداره راه و ترابری استان آذربایجان شرقی برکنار شده. این مدیر "مکتبی" مورد اعتماد از نزدیکان ملکوتی امام جمعه و نماینده خمینی در تبریز بود. وی از آن کهنه دزدانی بود که مدارج ترقی را سریع طی کرده بود.

همدانلو قبل از انقلاب یک شرکت کوچک راه سازی و ساختمانی داشت. او هم مثل دیگر هم قماشان خود، ریش و تسبیح را به موقع به کار گرفته بود. بلافاصله بعد از انقلاب سر از جهاد سازندگی درآورد. بعد از جهاد، ریاست مخابرات تبریز برای چندی به وی سپرده شد و سپس مسئولیت سازمان زمین شهری و آخر الامر مدیریت کل اداره راه و ترابری استان را به چنگ آورد.

همدانلو هنگامی که وارد اداره شد، دار و دسته اش را نیز به همراه داشت. او هم به رسم دیگر مسئولین، اعوان و انصارش را در پست های حساس گمارد تا از درز کردن سوء استفاده و دزدی هایش به بیرون آسوده خاطر باشد. آقای مدیرکل که کارکرد "ارشاد" گرانه انجمن اسلامی را کافی نمی دانست، به محض استقرار واحدی را در این اداره برپا کرد به نام "اداره ارشاد اسلامی". شروع کرد به صدور دستورات شداد و غلاظ. از جمله حکم داد که حتی روپوش اسلامی سابق نیز قبول نیست و زنان کارمند موظفند با چادر سیاه سرکار حاضر شوند. دایره ارشاد اداره حکم پی گیری این گونه فرامین را یافت. جناب مدیر کل همچنین مهندسین متخصص و قدیمی اداره را به نقاط دور افتاده آذربایجان تبعید کرد تا در غیاب آن ها تنظیم هزینه ها و صورت حساب ها راحت تر باشد. چندی از آغاز کار همدانلو سپری نشده بود که زمستان سرد سال ۶۲ فرارسید و جاده های مرمت نشده و به امان خدا شده یک به یک بسته شدند. جاده اصلی تهران - تبریز ۴۸ ساعت بسته ماند. در این زمستان در راه های آذربایجان ۶ نفر در پی بسته شدن جاده ها یخ زدند و مردند. اما این مصایب برای آقای مدیرکل مکتبی، نعمتی خداداد بود. او با استفاده از این رویداد از مقامات بالاتر تقاضای بودجه بیشتری کرد که پذیرفته شد. بودجه بیشتر به معنی پروژه بیشتر و این هم به معنی مداخل بیشتر است.

وقتی که بودجه واریز شد، اداره فرورمده "راه" جنب و جوش تازه ای گرفت. همدانلو آرام و قرار نداشت. به مقام مدیرکل نمونه بودا برای هر جایی که امکان پول خرچ کردن وجود داشت همدانلو طرحی آماده داشت. لحظه ای را برای اجرای طرح از دست نمی داد. در هر شهر استان، اداره راه و ترابری تاسیس کرد. در طول راه ها، راهدار خانه های تازه ای برپا نمود. اکیپ های راه سازی در کوه و کمرگرم کار بودند.

آقای همدانلو در میان مسئولین برو و بیایی پیدا کرده بود. علاوه بر حمایت آیت الله ملکوتی امام جمعه، کارهای انجام شده را مدام به رخ می کشید و هم چنین ایشان مدام پز می داد که ضد "مستکبرین" هستند. زیرا جدا با مقاطعه کارها در افتاده بود و قطعاتی که بیش از این به پیمانکاران مقاطعه داده شده بود، از آنان پس گرفت همه کارها را اداره زیر نظر سرپرستان منتخب آقای همدانلو خود به صورت امانی پیش می برد.

امارتو می دانستند که غرض و مرض مدیر کل مکتبی چیست. او می دانست که پروژه های بیشتر سرمایه های بیشتری می برد. از سرمایه های بیشتر تاراج بیشتری می شود کرد. علاوه بر این اصلاحیه لزومی دارد که مقاطعه کارها هم در بخشی از غنیمت سهیم شوند. بهتر است خود مدیرکل و دار و دسته اش در "اداره ارشاد اسلامی" تمام آن ها را به طور کامل بالا بکشند. پس چه ضرر دارد شعارهای ضد استکباری علیه مقاطعه کاران داده شود. نه این که ضرر ندارد، همه اش منفعت است، به این ترتیب همه بودجه سال ۶۲ خرچ شد. آن هم مستقیماً زیر نظر شخص مدیر کل. آن هم نه در طول سال بلکه در مدت ۶ ماه. زیرا آقای مدیرکل برای جذب سهم خویش خیلی عجله داشتند.

۶ ماه دوم که شروع شد کفگیر حسابداری به ته دیگ خورد و علاوه بر این چهار میلیارد ریال هم بدهکاری به پار آمد. همدانلو ناقل تا آنجا که توانسته بود سردیگران کلاه گذاشته و از آن ها قرض کرده بود، و با مطالبات برخی دیگر را پرداخت نکرد و وسط سال داد و هواراه انداخت که، ندارم که ندارم! طلب کاران هم ماندند که چه کنند. اداره راه را که نمی شد زندانی کرد. مدیر کل که شخصاً بدهکاری نداشت تا احیاناً آدم بی خبر از

اوضاعی او را تحت پیگرد قرار دهد. وقتی که زمستان رسید پروژه های اداره راه هم مثل جاده های استان شده بودند. گاهی دایر بودند و گاهی پایر. این وضعیت دل پسند آقای همدانلو نبود. برای کارهای خوابیده که نمی شد از حسابداری پول بیرون کشید. اگر از حسابداری پولی بیرون نیاید، به حساب آقای همدانلو که پولی نمی رود. به هر کلکی که هست باید کارها را راه انداخت. همدانلو این بوروکرات دست پرورده جمهوری اسلامی به فکر افتاد که سرم پالکی های خودش کلاه بگذارد و بهتر آن دید که بخشی از بودجه ارگان های دیگر را از دست آن ها بیرون بکشد. او که زبان همتایشان را در ادارات دیگر بلد بود با آن ها قراردادهایی منعقد کرد. با اداره آب و برق، با وزارت کشور، با اداره مخابرات و با ... برای یکی راه مرزی می ساخت. برای دیگری راه مخابراتی و برای سومی ...

به این ترتیب اداره راه در حالی که کارهای اصلی اش را راه و جاده ها را به امان خدا اول کرده بود، به پیمانکار دیگر ادارات و ارگان ها تبدیل شد. کسی هم نبود که به آقای همدانلو این مدیرکل مکتبی و نمونه بگوید، خرت به چند است و در این زمستان سیاه تکلیف راه ها و خلق الله رهگذر چه می شود؟ همدانلو و اداره اش کاری به این کارها نداشتند. اداره اش یک شرکت مقاطعه کاری شده بود. درست تر این که این جناب بوروکرات خود یک مقاطعه کار شده بود. به همان سیاق مقاطعه کاران هم با دیگر ادارات "اسلامی" معامله می کرد و چندین برابر قیمت تمام شده آن ها را تیغ می زد. مثلاً برای اداره آب و برق در ماکو پروژه ای را اجرا کرد که حدود یک میلیون و پانصد هزار تومان تمام شد. اما او در ازای این کار ۱ میلیون تومان صورت حساب ساخت و به همان اندازه دریافت کرد.

مدیرکل مکتبی و نمونه جمهوری اسلامی تنها در کثرت کارهای انجام شده و "صرف" بودجه حواله شده نمونه نبود. جناب ایشان کوشش های بی شائبه ای! در کاهش هزینه ها و صرفه جویی در "بیت المال مسلمین" هم انجام داد. این یعنی این که اخراج

دسته جمعی. اخراج گروه گروه کارگر و کارمند. برای این که میزان علاقه مندی ایشان در حفظ بیت المال دریافته شود، می توان از اخراج ۹۰۰ نفر از کارکنان اداره راه تنها در اولین روزهای سال ۶۲ مثال آورد. اخراج های دسته جمعی در این اداره و واحدهای تابعه آن به گونه ای شد که کارگران اداره به طنز عملیات اخراج را "الفجر ۲۲، ۲۱ و ۲۰۰" نامگذاری کردند. البته اخراج شدگان برای حفظ کار خود دوندگی های زیادی کردند و به هر جایی شکایت بردند و به هر کس و ناکسی مراجعه کردند ولی بیفایده بود. پشت آقای همدانلو خیلی گرم بود و علاوه بر این او که همواره مسلح به کلت بود در وسط راهروهای اداره بالا و پایین می رفت و به هر مخالف و متعرضی بد و بیراه می گفت.

موقعی که بودجه سال ۶۲ حواله شد، همدانلو نتوانست ریز و پیاش تازه ای را آغاز کند و ناچار شد تمام آن را یک جا به حساب بدهکاری های سال گذشته به طلب کاران (که به سهم خود گردن کلفت بودند) بپردازد. اما برای مدیرکل مکتبی فقدان بودجه نمی تواند مانعی به شمار آید. ایشان به یاد آوردند که "چنگ در راس امور است" و دست به کار شدند. به خصوص این که بالایی ها هم همین را از او می خواستند. اداره کل راه استان ویا شرکت مقاطعه کاری همدانلو و شرکا، ماشین های راه سازی را روانه جیبه کرد و به احداث جاده های نظامی پرداخت. بخشی دیگر از تجهیزات اداره گرم کار راه سازی در مرزهای شمالی آذربایجان شدند. وزارت کشور از صرف هر مقدار سرمایه ای برای ایجاد راه های مرزی و ایجاد پست های کنترل و دیده بانی در مرزهای شمالی مضایقه نداشت. اصلاً میان وزارت کشور جناب حجت الاسلام والمسلمین ناطق نوری و آقای همدانلو "اخوت برادرانه" وجود داشت. وزارت کشور برای این که شرکت آقای همدانلو (یعنی همان اداره کل راه آذربایجان) بیکار نماند حتی انجام پروژه هایی در استان مرزگان را هم به او محول کرد. تریلی های سنگین وزارت راه را از آذربایجان تا مرزگان به حساب بیت المال بردند که میادای همدانلو بیکار بماند. بیکاری که عواید ندارد.

همدانلو جداً نمونه بود. علاوه بر پرکاری بی بدیل و سودبخش که هم دیدن یار بود و هم زیارت شاه عبدالعظیم و علاوه بر قاطعیت در بیکار کردن کارکنان اداره.

قسمت چهارم

بودجه سال ۶۵، سندور شکستگی جمهوری اسلامی

مالیاتهای کم‌رشد، مردم را خانه خراب کرده است

مستقیم کمتر بوده، بیکاره چنان افزایش یافته است که ده‌ها و گاهی بیش از صدمیلیارد ریال بر مالیات‌های مستقیم افزونی یافته است.

جمهوری اسلامی مرتباً بر میزان مالیات‌های غیرمستقیم می‌افزاید. همه روزه اخباری از وضع عوارض و مالیات جدید در روزنامه‌ها درج می‌شود. روی هر چیز، از سیکار گرفته تا سیمان، از برنج وارداتی و کالاهای اساسی گرفته تا خدمات مسافرتی، مالیات جدید بسته‌اند. رژیم خمینی به این هم بسنده نکرده است. آن‌ها برای سال ۶۵، مبلغ ۱۰۰ میلیارد ریال به عنوان مالیات ویژه جنگی در نظر گرفته‌اند.

حقوق بگیران دولت قربانیان مالیات‌های مستقیم

از سوی دیگر تمامی مالیات‌های مستقیم مقرر شده هم توسط سرمایه‌داران و بخش خصوصی پرداخت نمی‌شود. آن‌ها تنها بخشی از آن را می‌پردازند. بخش مهم مالیات‌های مستقیم از درآمد ماهیانه ناچیز حقوق بگیران دولت گرفته می‌شود. در سال ۶۲ از هر حقوق بگیر دولت ماهیانه ۲۶۵۰ ریال مالیات گرفته شد (کیهان هوایی ۱۵ اسفند ۶۲) حال آن که متوسط میزان مالیات اخذ شده از مشاغل در همین سال از رقم ۶۵۰ ریال در ماه تجاوز نکرد. چالب اینجاست که پا به پای افزایش نقدینگی بخش خصوصی، میزان مالیات این بخش کاهش می‌یابد. تنها در فاصله زمانی سال‌های ۶۰ الی ۶۲، میزان مالیات بردار آمد بخش خصوصی از ۱۰ درصد به ۶/۵ درصد کاهش یافته بقیه در صفحه ۱۲

لازم به ذکر است که مالیات‌های غیرمستقیم عبارت است از مالیات بر کالاهای وارداتی (حقوق و عوارض گمرکی) و مالیات بر مصرف و فروش کالاها. پرداخت کننده این نوع مالیات توده‌های مردم هستند و تقریباً تمامی مبلغی که تحت این عنوان در جدول درآمدهای دولت پیش بینی شده است، از فقیرترین اقشار مردم وصول می‌شود.

در جدول مندرج در این صفحه، میزان مالیات‌های منظور شده در لوائح بودجه سال‌های اخیر به تفکیک در دو بخش مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم ارایه شده است.

در شش ساله اول حکومت جمهوری اسلامی، مبلغ کل مالیات‌های پیش از سهم برابر میزان مالیات‌های غیرمستقیم نزدیک به ۴/۵ برابر شد.

این جدول نشان می‌دهد که میزان کل مالیات‌ها مدام افزایش یافت. در این میان به ویژه بر مالیات‌های غیرمستقیم افزوده شد. در شش ساله اول حکومت جمهوری اسلامی مبلغ کل مالیات‌های پیش از سهم برابر و میزان مالیات‌های غیرمستقیم نزدیک به ۴/۵ برابر شد. طی این مدت مالیات‌های مستقیم تنها کمی بیش از دوبرابر گردید.

در فاصله زمانی سال‌های ۶۰ الی ۶۲، مالیات‌های مستقیم فقط ۵ درصد رشد داشته‌اند، حال آن که در همین دوساله، میزان مالیات‌های غیرمستقیم ۱۰۰ درصد افزایش یافته است. میزان مالیات‌های غیرمستقیم که در سال ۶۰ از رقم مالیات‌های

(واحد به میلیارد ریال)

سال	مالیات‌های مستقیم	مالیات‌های غیرمستقیم	کل میزان مالیات‌ها
۵۸	۲۲۰	۱۴۰	۳۷۰
۵۹	۱۲۰	۲۱۰	۳۴۰
۶۰	۲۲۰	۲۲۰	۵۵۰
۶۱	۲۹۰	۲۲۰	۵۱۰
۶۲	۳۳۷	۴۶۰	۷۹۷
۶۴	۵۱۷	۶۱۲	۱۱۲۰
۶۵	-	-	۱۱۶۰

مالیات‌های زیان‌مردم تهیدست افزایش می‌یابد

ما در "اکثریت" شماره ۵۷ در بررسی سیاست مالیاتی ناظر بر بودجه سال ۶۴، آن علل و عواملی را که "باعث شده است دولت به افزایش باز هم بیشتر مالیات‌ها روی آورد" برشمرده بودیم. در همان جاتشریح کردیم که چگونه "سیاست مالیاتی را تماماً به زیان توده‌ها تنظیم کرده‌اند." امروز که لایحه بودجه سال ۶۵ را در پیش رو داریم، جداول، ارقام و آمار، تابلوها و مفاد این لایحه به روشنی نشان می‌دهد که هر آن چه درباره بودجه سال ۶۴ صادق بود، در ابعدای وسیع‌تر در خصوص بودجه سال ۶۵ نیز مصداق دارد. زیرا که علل و عوامل پیشین پای‌را مانده و مشکلات رژیم حدت بیشتری یافته است. به‌او "بیم صادرات نفتی (این سنگ‌بنای ستون درآمدهای بودجه) کاهش یافته است. بر هزینه‌های سرسام‌آور جنگ باز هم افزوده شده است. غارتگری سرمایه‌داران زالوصفت از هر زمان دیگری فراتر رفته و لکام‌گسیخته‌تر شده است. سطح تولیدات داخلی چنان تنزل فاحشی یافته است که حتی دست اندرکاران دروغ‌پرداز رژیم را هم یارای کتمان آن نیست؛ در همین ماه جاری وزیر صنایع سنگین تنزل تولیدات صنعتی رایبه میزان ۱۲ درصد پذیرفت. در واقع بحران به طور همه جانبه حادتر شده است. از این روست که رژیم در لایحه بودجه سال ۶۵ نیز افزایش باز هم بیشتر مالیات‌ها را در نظر گرفته است. این در حالی است که درآمد پیش‌بینی شده دولت برای سال ۶۵ نسبت به سال جاری ۶ درصد کاهش دارد. معنی این امر چیزی نیست جز فقر و فاقه بیشتر برای زحمتکشان و مردمان تهیدست.

با مالیات غیرمستقیم شهره چان زحمتکشان را می‌مکند

هنوز هیچ ارگان رسمی در کشور، میزان مالیات‌های مستقیم و غیرمستقیم سال ۶۵ را اعلام نکرده است. ولی با مروری بر سیاست مالیاتی رژیم در سال جاری و سال‌های اخیر می‌توان تناسب میان این دونوع مالیات را در سال آتی پیش‌بینی کرد.

مشخصه‌های مورد قبول باز هم بیشتری برای رژیم داشت. ایشان لحظه‌ای را هم از انجام فرائض و پذیرش وظایف عبادی از دست نمی‌داد. این دزد سرگردنه راه‌های آذربایجان یعنی همین مدیرکل مکتبی که امین آقای آیت‌الله ملکوتی نماینده ولی فقیه در آذربایجان بوده است، در کمال فروتنی و به مثابه انجام وظیفه عبادی عضویت در هیات امنای "مصلی" جمع تبریز را پذیرا شده بود. این سمت البته که برای ایشان اعتباری می‌آورد و مطبوع طبعشان بود اما به اعتقاد این مدیرکل نمونه کارهای عبادی هر چقدر هم که پر اعتبار باشد اگر همراه با منافع دنیوی نباشد چندان مطبوع نیست. صدالیه عضویت در هیات امنای مصلی علاوه بر اجر اخروی برای شخص ایشان منافع دنیوی هم داشت. مصلی باید گسترش یابد. گسترش مصلی طرح می‌خواهد. هر طرحی بودجه لازم دارد و صرف هر بودجه‌ای مداخل به همراه می‌آورد. جناب مدیرکل طرح را آماده کرد و بولدوزهای راهسازی را از بیابان‌ها به وسط‌شهر کشاند و به جان ارک‌علی‌شاه افتاد اگر ارک‌خواب شود طرح پول‌ساز گسترش مصلی عملی می‌شود. از این رو ایشان در انجام این وظیفه عبادی قابلیت خاصی می‌دول داشت.

در مدتی که این مدیرکل مکتبی با این همه قابلیت به انجام وظایف درهمه‌جایه جز در راه‌های آذربایجان مشغول بود. این راه‌های ویرانه، ویرانه‌تر می‌شدند. طی سال‌های ۶۲ و ۶۴، پل‌های بسیاری راسیل برد بی‌آن که کسی به فکر نگهداری و مرمت آن‌ها بوده باشد. عبور و مرور در محورهای گرمی-اردبیل، کلایر - خداآفرین، اهر - تبریز، مرند - سهرامی، خوی و... مختل شد. ماشین‌های راهسازی در بیابان‌های خوزستان بودند. در سواحل هرمزگان بودند. در کنار ارس بودند، در خیابان‌های تبریز بودند، اما در جاده‌های آذربایجان نبودند تا راه‌ها را باز نکنند.

در تابستان ۶۴ افلاس و درماندگی اداره کل راه و ترابری آذربایجان شرقی به چنان حدی رسید که حتی همدانلو این مدیرکل مکتبی هم تمایل چندانی به ادامه خدمت در آن نداشت. تا هر جایی که مقدور بود، تاراج کرده بود. دیگر چندان چیزی برای غارت کردن نمانده بود. از این رو در مرداد ۶۴ زمانی که حکم انتقال خود را دریافت کرد، آن را پذیرا شد و رفت تا در چراگاه تازه‌ای چریدن را از سر بگیرد.

شش سال از قتل جنایتکارانه رهبران خلق ترکمن گذشت



اولی خلقیان لاله لر
دکتر لیکن نالار
دکترنگ نظامین نورارس
آزادبشاربالار
لاله های برسوزنگان
آزادبشاری مام نالار
نظام براری میخا اقم کره
رهزنده انمان آزادخواه اندرست

شخص خمینی جنایتکار و به تاکید خلخالیه همه مسئولین. همه اینان حکم به قتل رهبران خلق ترکمن داده اند. جنایت و دیگر سیاهکاریهای پیشمار آنها را از یاد نخواهد برد.

رفقا شیرمحمد درخشنده توماج، طواق محمد واحدی، عبدالحکیم مختوم و حسین چرجانی را به چه جرمی کشتند؟ آنها شوراهای دهقانی برپا کرده بودند، در خدمت زحمتکشان بودند و برای بهروزی آنان تلاش می کردند.

نام شورا دیگر هرگز از یاد دهقان زحمتکش ترکمن نخواهد رفت. شورا آرمان اوست. آرمانی که همواره برای تحقش رزمیده است. دهقان ترکمنی توماج، مختوم، واحدی و چرجانی را هیچگاه از یاد نخواهد برد، چراکه واژه "شورا" را نخست از آنان و یاران آنان آموخته است.

ویکی از کارهای برجسته و انقلابی ما در گنبد بود... ما دستور دادیم هرکسی را که مسلح باشد بیاورند که آوردند، یکی، دوتا، سه تا، پنج تا، هرکسی را که مسلح آوردند ما اعدام کردیم. این جریان را که می گویم شاهد زنده دارم... آقای هاشمی - حاج آقا احمد آقا شخص حضرت امام خود آقای منتظری و همه مسئولین، آقای دکتر بهشتی و آقای قدوسی. کیست که نداند این جریانات را؟ همه می دانستند. آقای رفیق دوست هم می داند. ۹۴ نفر منجمله توماج، واحدی، مختوم، چرجانی، اینها را بنده اعدام کردم، ۹۴ نفر را اعدام کردم، نه یک نفر... من با قاطعیت اسلامی در گنبد وارد جریان شدم و خلق ترکمن را آنجا کوبیدم" (آزادگان - ۲۸ شهریور ۶۳) اعتراف از این صریحتر و عریانتر؟ خلخالیه چه خوب همدستانش را معرفی می کند، رفیق دوست، هاشمی رفسنجانی، احمد خمینی، منتظری،

تمام سرنشینان اتومبیل دوم را که رفقای ما بودند بازداشت می کنند که خبر آن اول بار روز دوشنبه ۲۲ بهمن در فوق العاده "کار" انتشار یافت. روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲۲ بهمن ماه اعلام می کند توماج همراه با سه تن دیگر به تهران اعزام شده اند. خبر اعزام رفقا به تهران توسط حجت الاسلام نور مفیدی (کیهان ۲۷ بهمن) و خلخالیه (کیهان ۲۰ بهمن) تأیید شده است.

روز دوشنبه ۲۲ بهمن مطلع شدیم که رفقا به زندان اوین تحویل داده شده اند. رفقا قبل از اولین ساعات روز جمعه ۲۶ بهمن از زندان اوین به مرکز سپاه پاسداران سلطنت آباد به شخصی به نام "محسن رفیق دوست" که معاون فرمانده سپاه است، تحویل داده می شوند. همان شب بنی صدر رئیس جمهور به سازمان اطمینان می دهد که جان هیچ یک از بازداشت شدگان در خطر نیست.

اما سحرگاه روز دوشنبه ۲۹ بهمن در نقطه ای در جنگل برپا گرفته گلستان بین گنبد و بهنورد و دقیق تر بگویم بین مینودشت و چمن بید، رفقا را ناچاراً مردانه هدف گلوله های ژ-۳ قرار می دهند و آنان را پس از شکنجه غرقه در خون به شهادت می رسانند.

سال گذشته خلخالیه جزئیات این جنایت را این چنین بر ملا کرد، "من با قاطعیت در گنبد وارد شدم

فدائیان خلق توماج، مختوم، چرجانی و واحدی از پایه گذاران و هدایتگران شوراهای دهقانی ترکمن صحرا، ستاد مرکزی شوراهای و کانون فرهنگی - سیاسی خلق ترکمن بودند. آنها که قیام سرشار از شور و انرژی شان ساخته بود، تمام وقت خود را در اختیار زحمتکشان ترکمن گذاشته بودند. یک روز در این ده بودند روز دیگر در آن ده، یک روز در ستاد با این شورا جلسه داشتند و روز دیگر با آن شورا. شور و حرکت آنان و یارانشان، اعتماد زحمتکشان ترکمن به پیشروان خود چنان توانی به جنبش بخشیده بود که رژیم نمی توانست وجود آن و دستاوردهای آن را نادیده بگیرد. در ویژه نامه کار به مناسبت شهادت چهار رهبر شهید خلق ترکمن به تاریخ ۱۶ اسفند ۱۳۵۸ در مورد نحوه به قتل رسیدن آنان چنین می خوانیم:

"در روز ۱۸ بهمن، هیات ۵ نفری وزارت کشاورزی مامور حل مساله زمین و رسیدگی به کار شوراهای دهقانی به اتفاق این چهار رفیق شهید در ساختمان ستاد مرکزی شوراهای جلسه مشترک داشتند. جلسه تا ساعت ۲ بعد از نیمه شب ادامه یافت و سپس هر ۹ نفر با هم از ساختمان خارج می شوند. هیات ۵ نفری با یک ماشین و رفقا با ماشین دیگر به راه می افتند. روی پل شمال غربی شهر پاسداران به هر دو ماشین ایست می دهند. ماشین اول را با زور می کنند و اجازه حرکت می دهند ولی

برای فتح در نبردهای داخلی مفید می پندارد.

پندار این مرتجع تبهکار موهومات است. برای رژیم ننگین او هیچ راه بیرون رفتی وجود ندارد. شعله های رزم مردم را در راه صلح و آزادی، دود آتش جنگ، خون های ریخته شده، شعله و رتر می کند. اعتلا این رزم است که آتش جنگ را خاموش خواهد ساخت رزم مردم متحد، بیکان همچنان اعتلا خواهد یافت. آنکه مردمی است در این راه می رزمند، در راه اتحاد مردم برای صلح و آزادی.

مرگ برخمینی جنگ افروز!

بقیه از صفحه اول

فرزندان آنها هستند که در موج های کلگون شده شطالعرب غرق می شوند و یا در سرزمینی بیگانه و ناشناخته در جستجوی پناهگاهی برای گریز از ریزش مداوم خمپاره ها به اینسر و آنسر روانند. بر رقم کشته شدگان هر روز هزار هزار افزوده می شود. خمینی از شادی دست بردست می ساید و غرق لذت است. زیرا بر همه این فجایع "فتوحات اسلام" نام نهاده اند. خمینی این "فتوحات" را

اخیراً در روزنامه های دولتی انعکاس یافت که میزان مالیات مستقیم وصول شده در هفت ماهه سال جاری نسبت به رقم پیش بینی شده در بودجه سال ۶۴، از کاهش جدی برخوردار است. پدیده ای است که مالیات مربوط به حقوق بگیران را تمام و کمال وصول کرده اند. پس کاهش مزبور به معنی کاهش مالیات پرداختی بخش خصوصی می باشد.

از هم اکنون می توان پیش بینی کرد که این روند در سال آتی نیز دنبال خواهد شد. رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی راه بیرون رفت از بحران حاد اقتصادی را در تحمیل فشارهای بازهم بیشتر بر مردم جستجو می کند و سیاست مالیاتی رژیم منطبق با آن تنظیم شده است.

ادامه دارد.

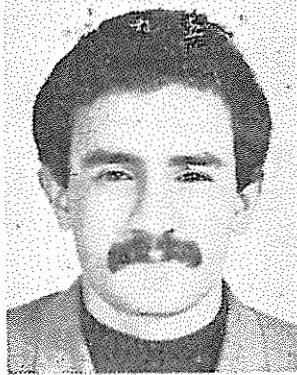
بودجه سال ۶۵... بقیه از صفحه ۱۱

است. از سوی دیگر جمهوری اسلامی تمهیدات دیگری را نیز در خوش خدمتی به سرمایه داران در نظر گرفته است. از جمله در تبصره چهار اصلاحیه لایحه نحوه وصول مالیات ها، مصوب مجلس شورای اسلامی، اختیار تعیین میزان مالیات بر عهده صاحبان مشاغل و اتحادیه آنان واگذار شده است. در تبصره چهار آمده است: "وزارت امور اقتصادی و دارایی می تواند در مورد مشاغل که مکلف به نگهداری دفاتر قانونی نیستند با احتساب معافیت های مقرر، مالیات هر یک از سنوات عملکرد سال ۶۰ و بعد را... با نظر اتحادیه (در صورت وجود اتحادیه ای) تعیین و وصول نمایند." (کیهان ۱۱/۲/۶۴)

پیروزی سازنده خلق در راه سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی!

شکفتن درمه

۲۸ بهمن، دوازدهمین سالگرد تیرباران رفقا خسرو گلسترخی و کرامت دانشیان است. خاطره ایقان که در بیدادگاه شاهنشاهی از طرف رجمیت خود فراتر از آن از حیثیت همه مبارزان راه آزادی، دلاوری، دفاع نمودند، هیچگاه از خاطر مردم ایران محو نخواهد شد. نام ویاد آقایی و آفریده‌های یادگارهای هنریشان، به عنوان افتخارات راهی که آنان پیوسته آن بودند، همواره چارچاهی خواهد ماند. در سالگرد شهادت این دلاوران، خاطره‌ای از رفیق خسرو گلسترخی که توسط یکی از مبارزان نژده یک اوتکارش یافته است را درج می‌کنیم.



می‌گشت و شهرهای شمالی تب و تاب می‌گرفت داشت.

در روزهای داغ حماسه، خسرو خود را به سیاهکل رسانده بود. ظاهراً مجوزی از روزنامه کیهان به عنوان خبرنگار اعزامی با خود داشت. از این رو توانست تادل جنگل‌های سیاهکل را بیاید. زانو به زانو و رویارو با مردم بنشیند. قضاوت‌های اهالی را با ضبط صوتی که با خود داشت ثبت کند و یادداشت‌های غیررسمی‌اش را به سینه تاریخ سپارد. تماشایی بود. حال و هوای شورانگیز خسرو در آن روزها تماشایی بود فضای خفقان آلود آن سال‌ها هیچان نشاط انگیز مردم را از شکوفایی این حماسه نوحاسته، از چشم‌ها پنهان می‌کرد و آشکاری آن، بی‌پایگی و شهادت خاصی را طلب می‌کرد و او این همه را با خود داشت.

دوستانش در لنگرود او را در محاصره داشتند خشم و نفرت، شور و اشتیاق، از چشم‌های نافذش زبانه می‌کشید تصویر ستایش‌انگیزی از حماسه رفقا ارائه می‌داد. انگار پای پای آن‌ها در لحظه لحظه ایثارگری‌های قهرمانانه‌شان نفس می‌کشید و حضور داشت. در بیان موثر واقع، از تمامت خلایقیت هنرمندانه و ذوق آفریننده‌اش کمک می‌گرفت و از قضاوت‌های مردمی که با آن‌ها به صحبت نشسته بود سخن می‌گفت. شور و شیدایی خاصی داشت، آرام و فراز نداشت. گفتم، خسرو آرام‌تر، گفت: من یک فدائیم.

ره‌آورد آن سفرش، یک دفتر شعر با نام "جنگلی‌ها" بود که بر تارک شعرهایش هنوز می‌درخشید.

ای سبزگونه ردای شمالیم

جنگل!

اینک کدام یاد

یوی تنش را

می‌آورد از میانه انبوه کیسوان

- پریشانت

که شهریه گونه مادر خون نشسته است

رژیم فقها منطقه را به کجای برد؟

بقیه از صفحه آخر

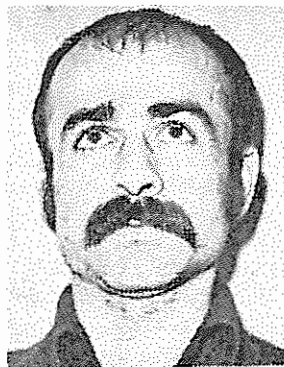
می‌نویسد شط العرب از لحاظ تاریخی، مرز میان جهان عرب و غیر عرب است، و عبور از این مرز، برای دولتهای عربی یک عامل روانی مهم به شمار می‌رود. این روزنامه، کام رژیم خمینی به فراسوی شطراکامی خطرناک به سوی منطقه‌ای شدن جنگ می‌خواند. شاید قائل شدن اهمیت تا پدین حد برای "والفجر ۸"، یا هدفی مشخص و برای نفت ریختن به آتش تشنجات منطقه‌ای باشد. اما همین که رژیم، با کام نهادن بدان سوی مرز از لحاظ بین‌المللی شناخته شده‌ای مانند شط العرب، بهانه و موضوع تازه‌ای برای اینگونه تبلیغات و انگیزه جدیدی برای تشدید روند شکل‌گیری یک محور نظامی میان امپریالیسم و کشورهای محافظ کار عربی فراهم کرده، بقدر کافی نگرانی آفراند.

اغلب کشورهای عربی، به ویژه دولتهای حوزه خلیج فارس، از ورود نیروهای ایرانی به خاک عراق ابراز نگرانی نموده آن را محکوم کردند. وزرای خارجه اتحادیه عرب در اجلاس فوق‌العاده‌ای در بغداد خواهان عقب‌نشینی این نیروها و پایان دادن فوری به جنگ شدند. کویت که اینک چپه جنگ به مرزهای آن نزدیکتر شده است، خواستار تشکیل یک نیروی دفاعی مشترک عربی برای مقابله با "توسعه طلبی" رژیم خمینی شد. عراق تقاضای تشکیل نشست فوق‌العاده شورای امنیت را کرده است. ایران متقابلاً شکایتی را پیرامون استفاده عراق از سلاح‌های شیمیایی در این عملیات در سازمان ملل طرح کرد و پاسخ شنید که بررسی این شکایت در گرو پذیرش قطع جنگ است.

اتحاد شوروی با تاکید بر پیرویه بودن این جنگ، قطع فوری آن را خواستار شد. واکنش آمریکا در قبال این جنگ جدید چنان با نرمش همراه بود که حتی خلاف عرف دیپلماتیک بنظر می‌رسد و با موضع‌گیری "رسمی" آمریکا در موارد پیشین تفاوت چشمگیری داشت. سخنگوی پنتاگون برای توضیح سکوت رضایت‌آمیز آمریکا اعلام داشت که به نظر ایالات متحده این درگیری‌ها یقیناً ایجاد درگیریهای سالهای ۸۴ و ۸۵ را پیدا نکرده است. سکوت مقامات آمریکایی، نشانگر رضایت خاطرشان از عملیات "والفجر ۸" می‌باشد.

پنهانی، گاهی، در لحظه بیم و امید و به هنگامی که سایه سیاه مرگ را در برابر چشمانم دیدم انکار کسی در من صدا برمی‌داشت، آی این گونه مردن سزای تو نیست و من نمی‌خواستم، نمی‌خواستم تن به مرگی ناخواسته بدم که حاصلی در پی نداشته باشد. هر چند زندگی با تمام توانش در برابر مرگ می‌ایستد، اما چگونه مردن نیز به زندگی مفهومی دیگر می‌بخشد. آری در تلاطم مرگ آلود دریا چگونه مردن، چونان سنگی استوار پناهگاه مطمئن من بود.

تفاوت سنی و تجربه ناکافی سیاسی مانع از آن می‌شد که مفهوم پر اعتبار حرفش را به درستی دریابم. ساحل "چمخاله" از پیش پای ما



می‌رفت و روشنای شکوهمند ماه به حرف‌های ما می‌تابید که به خانه رسیدیم.

از آن پس تپش‌های هدفمند زندگی او را در شعرها، نوشته‌ها و در نقدهای هنریش دنبال می‌کردم. آن خط سرخ، آن خط سرخ زندگی‌ساز را همواره در هستی پر شورش می‌دیدم که چگونه و با چه شوکتی در تاروپود زندگی فردی و اجتماعی او درخششی ستایش‌انگیز می‌یافت.

این بود و بود "شکفتن درمه" به روزهای حاصلخیز مبارزات مردم ما نویدی تازه بخشید و جوانه‌های برومند جنگل سیاهکل به بار نشست. خبرها گوش به گوش و دهان به دهان

در عرق ریزان سنگین پاترین روزان تابستان سال ۴۷ هنوز موجهای "بندر چمخاله" آرامش خود را باز نیافته بود به آب زدیم. از ساحل، چندان دور نشده بودیم که موجهای سرکش دریا ما را از هم جدا کرد تا جاییکه صدای یکدیگر را دیگر نمی‌شنیدیم اما چشمهای جستجوگر مادر فراز و فرودهای موج‌های توفنده و از میان هراس غریبی که در جان ما، لانه کرده بود، مشتاقانه یکدیگر را دنبال می‌کردند.

تلاش ما در برابر سهمناکی موج‌ها، چون دست‌های بی‌رقم ما، آرام آرام اثر بخشی خود را از دست می‌داد. مرگ و زندگی، چهره به چهره و رویاروی هم، مبارزه بر تلاطمی را در پهنای آشوب‌زده دریا نقش می‌زد. ناگهان موجی بلند از فراز سرش گذشت و در اندک زمانی پیکر بی‌رقم، مرا نیز در بر گرفت. در فاصله دو موج تا اندازیهی قدر راست کردم. این بار او تلاشی تازه را آغاز کرده بود دست‌هایش سینه آب را می‌شکافت و امیدی تازه را بشارت می‌داد امید زنده بودن را. خسرو با تمام جانش با دست‌هایش به جانب ساحل نجات پارو می‌کشید و در من نیز نیرویی تازه دمیده بود. نیرویی که لبخند کربیه مرگ را که در چند قدمی ما بستر سیاهش را پهن کرده بود، کدر می‌کرد. اینک موج‌های سرکش، موج‌های مرگ، دام سیاه گسترده خویش را فرامی‌چید و یاس آلود و ناامید از کنار ما می‌گذشت. پیکر رمق یافته ما دوباره با زیبایی‌های زندگی گره می‌خورد و زبانه‌های حیات در بستر رگ‌هایمان گرمایی تازه دمیده بود.

در هنگامی‌های ساحل از او پرسیدم: در کشاکش‌های بودن و نبودن و در مبارزه نابرابر و بر تلاطم موج و دل، نیروی باز یافته ات از کدام چشمه آب برداشته بود که ناگهان آنگونه بر صلابت و جوشان از میان موج‌های خروشان ره باز کردی. گفت: "بهر طوفان زده، سنگی ست

فیلیپین: صحنه سازی يك "انتخابات" به کارگردانی ریگان

بقیه از صفحه آخر

احزاب و سازمانهای ترقیخواه فیلیپین، انتخابات ریاست جمهوری را بعنوان یک صحنه سازی که سناریوی آن در واشنگتن تهیه شده، تحریم کردند.

جریان برگزاری انتخابات نشان داد که آنچه در آن تعیین کننده نیست رای مردم است. رژیم مارکوس این درخواست مودیانه کلیسای کاتولیک را که در شمارش آراء، قواعد ساده ریاضی را رعایت کند، با عملکرد خود به استهزا گرفت. حزب حاکم مارکوس باماشین عظیم انتخاباتی ای که سوخت آن بیش از ۱۰ میلیارد "پزو" بودجه دولتی بود، وارد کارزار شد. دستجات اوپاش طرفدار مارکوس، در روز انتخابات، ناظرین اپوزیسیون را از بسیاری از حوزه های انتخاباتی به زور چماق و اسلحه بیرون راندند. ۵۰ کشته و دهها زخمی، بیلان روز هفت فوریه بود. بسیاری از صندوق ها ریخته شد و به جای آن، ساعت ها پس از بسته شدن حوزه ها صندوق های جدید پر از رای به مارکوس، آوردند. ۲۰ تن از کارکنان مرکز کامپیوتری دولتی شمارش آراء، به علت دستکاری مقامات رژیم در ارقام استعفا کرده و ملی یک کنفرانس مطبوعاتی، اعلام داشتند ارقام واقعی نشانگر پیروزی آکینو - لورل بوده است. اما ریگان در یک کنفرانس مطبوعاتی، اعلام نمود انتخابات علی رغم تقلب های دوطرف (۱) آزادانه برگزار شده و نشان داده است فیلیپین دارای یک دموکراسی دوحزبی است!

"انتخابات" ریاست جمهوری فیلیپین توهم توده ای وسیعی از مردم را که به امید تحقق تغییرات واقعی به عرصه کارزار آن گام نهاده بودند، فرو ریخته است. از هم اکنون رسانه های گروهی غرب از افزایش اجتناب ناپذیر نفوذ کمونیستها سخن می گویند ("ارتش نوین خلقی" هم اکنون ۲۰ درصد خاک فیلیپین را در تصرف خود دارد) اکنون بسیاری از مردم واهی بودن هرگونه امیدی به رهبری بورژوازی اپوزیسیون "قانونی" را دریافته اند. در مجموع، همه ناظرین تایید می کنند که برخلاف انتظار آمریکا، انتخابات نه تنها اوضاع فیلیپین را ثبات نبخشیده، بلکه دوره ناآرامی از بی ثباتی را آغاز کرده است.

سرمایه داری در این سالها بطور اخص، در امان نمانده است. بهای مایحتاج عمومی پیوسته افزایش یافته، بیکاری به سرعت بالا رفته و سطح زندگی تنزل شدیدی کرده است. در سال ۱۹۸۵، اقتصاد فیلیپین "رشد" منفی داشت، تولید ناخالص ملی کاهش یافت، و قروض خارجی به رقم ۲۶ میلیارد دلار رسید. از نفوذ "ارتش نوین خلقی" نه تنها کاسته نشده، بلکه در سالهای اخیر بر سرعت گسترش نیروی آن افزوده گردید. جنبش مخالفت باحضور نظامی آمریکا وسیع تر شد.

در واشنگتن، تلاش تب آلودی برای "چاره اندیشی" به راه افتاد. برخی مخالف سیاسی نزدیک به دولت ریگان، حساب و بییه ای روی اپوزیسیون بورژوازی باز کردند، با این امید که الیگارشی وابسته در این کشور بتواند با تن دادن به پاره ای اصلاحات سیاسی، به حکومت خود و پاسداری از منافع استراتژیک آمریکا ادامه دهد. "پنینو آکینو"، شخصیتی که سالها رقیب مارکوس به شمار می رفت، از نظر این محافل مناسبترین چهره برای این امر به شمار می رفت. اما وی در بازگشت از آمریکا روی پلکان هواپیمای کلو لورل قرار گرفت و کشته شد. مارکوس، خطر را احساس کرده بود.

پس از قتل آکینو، اپوزیسیون بورژوازی تلاشهای جدیدی برای کسب قدرت از طریق "قانونی"، و انتخاباتی آغاز کرد. تحت فشار آمریکا، مارکوس اعلام کرد انتخابات ریاست جمهوری شش ماه پیش از موعد و طبق الگوی ایالات متحده برگزار خواهد شد. احزاب بورژوازی مخالف مارکوس توانستند پس از سالها برای اولین بار بر سرکاندیداهای واحد توافق کنند. کوراژون آکینو بیوه سناتور مقتول به عنوان نامزد ریاست جمهوری و سالوادور لورل رهبر بزرگترین حزب اپوزیسیون بورژوازی بنام "سازمان متحد ناسیونالیستی دموکراتیک" به عنوان کاندیدای معاونت ریاست جمهوری تعیین شدند.

آکینو و لورل از طرح هرگونه خواست رادیکال و برنامه اصلاحات واقعی خودداری کرده و حتی تمديد قرارداد مربوط به پایگاههای آمریکایی پس از به سرآمدن مدت اجاره آنها در سال ۱۹۹۱ را تعهد نمودند.

پیش به سوی برگزاری "کنگره جهانی سال بین المللی صلح"

در کنگره نمایندگان شرق و غرب، شمال و جنوب، نمایندگان گروههای محلی صلح، احزاب و تشکلهای سیاسی ملی و سازمانهای منطقه ای خواهند بود. به تشکلهای زنان و جوانان جای ویژه ای اختصاص داده خواهد شد.

کنگره قرارهایی را برای انجام اکسیون ها و ابتکارات بین المللی و منطقه ای در مخالفت با مسابقه دیوانه وار تسلیحاتی و گسترش آن به فضای جهانی ... به تصویب خواهد رسانید.

دستور کار کنگره برابر با قرارهای مصریه توسط چهلین مجمع عمومی سازمان ملل متحد، به ویژه قطعنامه اصلی آن که به اتفاق آراء پذیرفته شد، تدوین خواهد شد و رؤس آن به ترتیب زیر اند:

* رابطه متقابل بین صلح، رشد اقتصادی و پیشرفت اجتماعی؛
* لزوم و اجبار خلع سلاح و بیاعتنا از وقوع فاجعه هسته ای؛
* نابودی سیستم نژادی و آپارتاید؛

* تضمین حقوق بشر و آزادی به مقام اعضای اصلی سیاست تحکیم صلح؛

* صلح به مثابه پیش شرط تامین خواستهای بنیادی بشری از قبیل نظیر سالم، حکومت، بهداشت و آزادی، فرهنگ و آموزش، کار و حفظ محیط زیست؛

* به کارگیری صلح آمیز به مثابه روشی که با استفاده از نیروی علم می توانست و باید در آن نقش گروهی می توانست و باید داشته باشند.

* نقش و اهمیت همکاری بین المللی، گفتگوهای سازنده، تفاهم و اطمینان متقابل در حفظ صلح، لزوم شرکت دادن دولت ها، پارلمان ها و نیز سازمان های غیردولتی در یک کارزار بین المللی برای دفاع از صلح؛

شرکت کنندگان در کنگره با بحث و تبادل نظر در زمینه های مذکور خود را برای فعالیت عظیم روشنکارانه در سطح جهانی، پشتیبانی و پیشبرد اهداف سازمان ملل متحد در سال بین المللی صلح، تدارک خلع سلاح، مهیا ساختن شرایط لازم برای استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی در اقصی نقاط جهان و حل مسالمت آمیز و عادلانه اختلافات بین المللی آماده می کنند.

از روز پانزدهم تا نوزدهم اکثریت سال ۱۹۸۶ "کنگره جهانی سال بین المللی صلح" در کپنهاگ، پایتخت دانمارک برگزار خواهد شد. ابتکار تشکیل کنگره جهانی صلح متعلق به شرکت کنندگان در نشستی است که در روزهای ۳۰ ژوئن تا اول ژوئیه ۱۹۸۵ برگزار شد. شرکت کنندگان در این قسمت که طیف وسیعی از نیروها و سازمان های سیاسی از کشورهای گوناگون را نمایندگی می کردند و پیشنهاد تشکیل یک "کنگره بین المللی تدارک کنگره جهانی صلح" را مطرح ساختند. بر این اساس قرار جمعی تصمیم تاسیسات کلیه سازمان های احزاب سیاسی و اشخاص انفرادی علاقمند می توانند در کنگره شرکت کنند.

نخستین نشست کنگره بین المللی تدارک کنگره جهانی صلح در روزهای چهارم تا شانزدهم دسامبر ۱۹۸۵، در کپنهاگ برگزار گردید. در این نشست، ۱۲۰ نماینده ملی و منطقه ای، نهضت صلح، از ۱۸ کشور جهان و نیز نمایندگان ۱۸ سازمان بین المللی شرکت جستند. در یادداشتی که جنبش صلح و خلع سلاح طی سال های گذشته در بسیاری از کشورهای جهان موفق شده است که توده عظیم مردم را از خطر مسابقه تسلیحاتی برای موجودیت نسل بشر آگاه سازد، علاوه بر این تاثیر جنبش صلح بر سیاست برخی احزاب و دولت ها نیز مشهود است.

شرکت کنندگان در نشست کپنهاگ همچنین خاطرنشان ساختند که برگزاری کنگره جهانی صلح در سال ۱۹۸۶ - سالی که توسط سازمان ملل متحد "سال بین المللی صلح" نام گرفته است - امکان بی مانندی را برای ایجاد ارتباط بین بخش های گوناگون جنبش صلح و پیشبرد گفتگوهای سازنده درباره حال، آینده و سرنوشت نسل بشری کره ارض مهیا خواهد ساخت.

کنگره سال بین المللی صلح نمایندگان نهضت های صلح را از چهار گوشه جهان به دور هم گرد خواهد آورد. درهای کنگره برای طیف هرچه وسیع تری از نیروها گشاده خواهد بود و همگی با بحث و تبادل افکار به پیشبرد اهداف سال بین المللی صلح کمک خواهند رساند. شرکت کنندگان

اعلام خبر کشته شدن عبدالفتاح اسماعیل

رادیو عدن اعلام کرد در جریان درگیری‌های غم انگیز ماه ژانویه در جمهوری دموکراتیک خلق یمن، عبدالفتاح اسماعیل رئیس جمهور اسبق کشته شد. علی سلیم الییش، دبیرکل جدید حزب سوسیالیست یمن، اظهار داشت اسماعیل به علت آتش گرفتن زرهپوشی که مأموریت نجات وی را برعهده داشت، به قتل رسیده است.

در عدن دولت جدید متشکل از ۱۸ وزیر تشکیل شد. یاسین سعید نومان، نخست‌وزیر جدید که در گذشته معاون نخست‌وزیر و وزیر ماهیگیری بود، اعلام کرد سیاست کشور بدون تغییر ادامه خواهد یافت. حیدر ابویکر عطاس همزمان با تشکیل دولت جدید، از نخست‌وزیری کناره گرفته و به عنوان رئیس جمهوری انتخاب شد (وی چند هفته رئیس جمهور وقت بود).

همچنین هفته گذشته اعلام شد علی‌ناصر محمد رئیس جمهور پیشین یمن جنوبی اکنون در دمشق به سر می‌برد.



تصویری از خیابان‌های عدن پس از عادی شدن اوضاع

کنگره حزب کمونیست کوبا به کار خود پایان داد

لنینیست انقلاب کوبا به علت کوبلتن سن تقاضا نمود از کار در رهبری حزب معاف شود و تقاضای او مورد موافقت قرار گرفت.

کنگره حزب کمونیست کوبا، نخستین برنامه جامع حزب و تغییراتی در اساسنامه و نیز دو مصوبه دیگر را تأیید کرد. این دو مصوبه عبارتند از "جهت اصلی رشد اقتصادی و اجتماعی از ۱۹۸۶ تا ۱۹۹۰" و "مصوبه درباره تکامل نظام اداره و مدیریت اقتصاد".

کنگره سوم حزب کمونیست کوبا با موفقیت به کار خود پایان داد. کمیته مرکزی منتخب کنگره، در نخستین اجلاس خود بار دیگر فیدل کاسترو را به عنوان دبیر اول و راؤول کاسترو را به عنوان دبیر دوم حزب برگزید. فیدل کاسترو در نطقی در اجلاس پایانی کنگره، اسامی ۴ عضو و ۹ کاندیدای دفتر سیاسی منتخب کمیته مرکزی را اعلام نمود و از فعالیت رفقای که از دفتر سیاسی کناره گرفتند، قدردانی کرد. بلاس روکا، از موسسین "حزب مارکسیست -

حزب کمونیست هائیتی:

دیکتاتوری بدون دو الیه جنبش توده‌ای و امتوقف نخواهد کرد

این کشور زمام امور را به دست گرفته، ژنرال مامفی است که از نزدیکان پدر دو الیه (دیکتاتور اسبق) به شمار می‌رفت و تا برکناری دو الیه دوم، عهده‌دار ریاست ستاد ارتش بود. سایر اعضای دولت جدید نیز اکثراً با دولت دو الیه همکاری داشته‌اند.

از اقدامات دولت جدید، انحلال پلیس مخفی خون آشام دو الیه و پارلمان جعلی هائیتی بوده است.

رنه تلو دوره، دبیرکل حزب کمونیست هائیتی که مبارزه‌ای مخفی را پیش می‌برد، طی یک کنفرانس مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران خارجی در هاوانا هدف مانورهای آمریکا در قبال هائیتی را برقراری "دیکتاتوری بدون دو الیه" خواند و گفت این مانورها نخواهد توانست جنبش توده‌ای را در این کشور متوقف سازد. رهبر حزب کمونیست هائیتی اعلام کرد این حزب برای شرکت در یک دولت ائتلافی دموکراتیک در هائیتی هیچ گونه پیش شرطی قایل نیست.

دی پروتوس، رهبر "اتحادیه نیروهای میهنی و دموکراتیک هائیتی" اعلام داشت در حال حاضر مذاکراتی با دولت جدید هائیتی بر سر برنامه این دولت در جریان است. پروتوس خواهان به دست گرفتن قدرت سیاسی توسط یک دولت ائتلافی متشکل از همه گروه‌های اپوزیسیون در ظرف یک ماه آینده شد.

لازم به یادآوری است، رئیس "شورای موقت نظامی" هائیتی که به دنبال فرار دو الیه دیکتاتور

قبایل پشتون پاکستان ۵۰ ضد انقلابی افغانی را به هلاکت رساندند

می‌دهد. آن‌ها برای تقاضای کمک به مقامات افغانی مراجعه کرده‌اند.



نمایندگان قبایل افریدی و شینواری در یک کنفرانس مطبوعاتی که با شرکت خبرنگاران خارجی در استان مرزی ننگرهار افغانستان تشکیل شد، اعلام کردند علت واقعی تجاوز مقامات پاکستان به قبایل پشتون مخالفت آن‌ها با تبدیل سرزمینشان به پایگاه مداخله در امور داخلی افغانستان و مقاومتشان در برابر عبور ضد انقلابیون افغانی از این منطقه است و نه مبارزه ادعایی با "قاچاق مواد مخدر". آن‌ها شواهدی ارائه دادند که نشان می‌دهد محافل حاکم پاکستان در سازماندهی قاچاق مواد مخدر سهم عمده‌ای دارند.

گزارش‌های رسیده از ناحیه مرزی پاکستان و افغانستان حاکی است واحدهای مسلح قبایل پشتو به دو اردوگاه ضد انقلابیون افغانی حمله کرده و ۵۰ تن از اشرار را به قتل رساندند. در منطقه پارچنار، پشتون‌ها موفق شدند ستاد مرکزی یکی از دستجات ضد انقلابی را که تحت حمایت ارتش پاکستان نیز قرار داشتند، با خاک یکسان سازند.

در بسیاری از نواحی منطقه دره خیبر، گردهمایی‌ها و تظاهراتی با شرکت مردم پشتون تشکیل شده است. خبرگزاری افغانی باختر گزارش می‌دهد در این گردهمایی‌ها از مبارزه برحق قبایل افریدی و شینواری پشتیبانی به عمل آمده و شرکت کنندگان، خواهان پایان دادن فوری به تجاوز نظامی ارتش پاکستان به منطقه دره خیبر و تخلیه سرزمین قبایل پشتون توسط اشرار افغانی شده‌اند.

قبایل پشتون در حالی به مقاومت ادامه می‌دهند که رژیم اسلام آباد با استفاده از هواپیماهای بمب افکن و سلاح‌های سنگین آمریکایی، دهکده‌های منطقه را زیر آتش گرفته‌اند.

عکس مقابل دیدار ننگرهار محمد امین، وزیر امور قبایل و ملیت‌های جمهوری دموکراتیک افغانستان را با نمایندگان قبایل افریدی نشان

اخبار کوتاه

* کمیته مرکزی حزب دموکراتیک خلق افغانستان در نشست در کابل برنامه ۵ ساله اقتصادی تا سال ۱۳۷۰ را به تصویب رساند. در طول اجرای این برنامه، افزایش درآمد ملی به میزان ۲۶ درصد، افزایش تولید صنعتی به میزان ۲۸ درصد و افزایش تولید محصولات کشاورزی به میزان ۱۴ الی ۱۶ درصد پیش بینی شده است.

* انتخابات پارلمان سوریه انجام گرفت. در نتیجه این انتخابات، حزب کمونیست سوریه توانست بار دیگر به پارلمان راه یافته و ۹ کرسی از ۱۹۵ کرسی مجلس را به خود اختصاص داد. حزب حاکم بعث، ۱۲۹ کرسی و "جبهه ملی ترقی خواه" ۵۷ کرسی به دست آوردند.

* صندوق بین‌المللی پول تصمیم گرفت به سودان دیگر اعتباری ندهد. علت این تصمیم، رد شرایط این صندوق توسط دولت سودان بود. این شرایط شامل حذف سوپسید مایحتاج عمومی و کاهش بودجه رفاهی و اجتماعی می‌گردد. خبرگزاری سودان در تفسیری نوشت این کشور به عنوان واکنش در برابر تصمیم صندوق بین‌المللی پول، روابط خود را با کشورهای سوسیالیستی گسترش خواهد داد.

گامی خطرناک به آن سوی رود

AKSARIYAT
NO. 95
MONDAY FEB 17, 86
Address: آدرس:
RUZBEH
POSTFACH 1810
5100 AACHEN
W. GERMANY

حساب بانکی: